

پیر و هائی که آماده اند از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنند، تشکیل گردد

با توجه به اوضاع فوق العاده حساس و بغرنج کشور، نامه «مردم» در مصاحبه ای با رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، پرسشهایی را مطرح ساخت. پاسخهای رفیق کیانوری، که روشن کننده علل بروز پدیده...

امام خمینی: نه اینست که من از هر کس معمم است، از او پشتیبانی می کنم

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، طی سخنانی در برابر جمعی از پرسنل ژاندارمری اسلامی ایران، بار دیگر اعلام داشتند که: «من آنچه که در بسیاری از صحبت‌هایم از روحانیون بحث می‌کنم، نه اینست که من هر کس معمم است از او پشتیبانی می‌کنم. ای بسا خرقه که مستوجب آتی باشد.»

امام خمینی در این سخنان همچنین درباره نیروهای انتظامی در زمان رژیم شاه سابق گفتند: «در آنوقت یک ارتشی درست کردند و یک ژاندارمری درست کردند و یک شهربانی درست کردند که تلخی اعمال آنها در ذائقه ملت ما بود.»

امام خمینی در جای دیگری گفتند: «سایر قوای انتظامی هم اینطور. آنها هم شرارت‌هایی کردند در این مملکت و سرکوبی‌هایی از خدمتگزاران این مملکت کردند که اسم آنها هم وقتیکه می‌آمد، مردم از آنها متنفر بودند.»

امام خمینی سپس خواست خود را از نیروهای انتظامی چنین اعلام داشتند: «قوای مسلحه باید خودشان را در خدمت مردم قرار بدهند. ارتش باید این مملکت را حفظ کند، اینها برای حفاظت ملت و مملکت آمده‌اند، برای پاسبانی از مملکت خودشان مشکل شده‌اند، باید اینها توجه به این معنا داشته باشند، که همه این قوای مسلحه باید در خدمت مردم باشند.»

انتشار اخبار جعلی درباره حزب توده ایران بسود انقلاب نیست

خبر در ارتباط با مطرح شدن مسئله فعالیت احزاب و گروههای سیاسی، جریان ظهور کرده، که قابل توجه است. جریان اینست که محافل معینی میکوشند حزب توده ایران را در ردیف گروههای ضدانقلابی و یاسازمانهای منحرف قرار دهند و بدینوسیله درازدهان مردم میان حزب توده ایران و سازمانهای ضدانقلابی و یانمنحرف علامت تساوی بگذارند و یساحداً یک‌وجه تشابه ایجاد کنند. میکوشند نام حزب توده ایران را در سیاه‌پلویاگران و آشوبسازان و گروههای ضدانقلابی از قبیل کومله و پیکار و آفریست‌ها و مائوئیست‌ها قرار دهند. برای ما «خانه تیمی» کشف میکنند. بنا اعلامیه دروغین و موهوم ضد - جمهوری اسلامی ایران نسبت میدهند...

ما امیدواریم که این عمل و حرکت نادرست و غیر عادلانه و زیان‌آور ناشی از اشتباه، ناآگاهی و تصورات واهی باشد، زیرا که هیچ آدم باانصافی سیاه و سفید را در یک کفه ترازو قرار نمیدهد و هیچ مین‌پرست و انقلابی‌ها را بر دوست صمیمی و متحدفداکار خود برچسب دشمن‌نمیزند و بزور او را از خود نمی‌رانند. درعین حال می‌توان احتمال داد که در برچسب‌زنی به حزب توده ایران و ایجاد زمینه و بهانه و دلیل و سند برای این برچسب‌زنی، ضد - انقلاب هم‌دست داشته باشند. شاید هم کسانی از محافل انحصارطلب، که اظهارات مقامات پارلمانی و حکومتی و دولتی را درباره لزوم رعایت آزادی احزاب در چارچوب قانون اساسی شنیده‌اند و میدانند که مسئله مطرح است، از هم اکنون برای حزب توده ایران بیرونده‌سازی میکنند تا آنرا در ردیف گروههای توطئه‌گر، قلمداد نمایند، و اگر توانستند، در راه فعالیت آزاد حزب ممانع‌جویی بوجود بیاورند.

بهر حال این حرکت، چه دانسته و چه ندانسته، حرکت نادرست، خلاف عدالت و انصاف و مسخر از همه متضاد با منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانست. شاید بگویند فلان روزنامه اشتباه کرده‌است و یا فلان منبع را اشتباه کرده‌اند. ولی ما تاکنون حتی یکبار ندیده‌ایم که علیرغم تصریحات نامه «مردم» در تکذیب اخبار دروغ درباره حزب توده ایران، حتی یکبار اشتباه خود را تصحیح بکنند و یا تکذیب روزنامه ارگان مرکزی حزب توده ایران در مورد جعلیات و اکاذیب منتسبه به حزب ما را منتشر سازند. در صورتی که هم‌اصول عدالت‌وجدان و هم‌قانون مطبوعات و راه ورسم روزنامه‌نگاری انقلابی چنین حکم میکند، ما ضرور میدانیم که باسراحت



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۲۵
پنجشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۵۹، بهای ۱۵ ریال

مقابل توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران چه باید کرد؟
صفحه ۸

درنامه مجلس شورای اسلامی ایران به نمایندگان کنگره آمریکا: امپریالیسم امریکا باز هم محکوم شد

نامه نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران، در پاسخ نامه ۱۸۰ تی از نمایندگان کنگره آمریکا، پس از طرح در جلسه علنی مجلس، برای پاره‌های اصلاحات به کمیسیون خارجه مجلس فرستاده شد.

این نامه، که با ژتاب روح انقلاب ضد امپریالیستی ایران است، آنچنانکه شایسته مجلس ایران انقلابی است، امپریالیسم غارتگر آمریکا را بعنوان دشمن شماره یک ایران بر روی صندلی اتهام نشاند و با سیری در تاریخ تجاوزات، مداخلات و جنایات آمریکا در ایران، بدرستی ماهیت آن را عریان ساخته است.

ما خلاصه‌ای از این نامه را منتشر ساختیم و اینک ضمن درج مهمترین نکات این نامه، امیدواریم نامه با همین روح - نامه یک خلق قهرمان به دشمن اصلی خلقهای جهان - و با همین ماهیت - خطابه‌ای نسبت به یک متهم فرومایه - در مجلس شورای اسلامی ایران تصویب و برای نمایندگان کنگره آمریکا فرستاده شود:

«در طی دوران جنگ بین‌المللی دوم و بعد از آن دولت آمریکا بعنوان یک نیروی تازه نفسی مقدمات جایگزینی قدرتهای استعماری پیش از خود را در کشور ما با طرحهای سلطه‌جویانه تعقیب کرد. کاری که با موازین حق و عدالت و انسانیت و حقوق بشر و دایه آزادیخواهی آمریکا که دهها سال در سطح جهان بدان شهرت یافته بود قابل انطباق نبود.

پس از جنگ جهانی دوم ملت ما فرسوده از حضور نیروهای اشغالگر و دخالتهای بی‌حساب قدرت‌های بیگانه برای کسب آزادی و استقلال و پایان دادن به سلطه اجانب و مخصوصاً دخالت‌های استعمار انگلیس همانند سایر ملل مستضعف جهان مبارزه خود را آغاز کرد و در جهت نیل به چنین اهداف و آرمانهایی با ولت‌های دست‌نشانده اجنبی - خصوصاً شاه و دربارش که مرکز تمامی توطئه‌های ضد ملی و ضد اسلامی و وسیله اجرای سیاست‌های خارجی بود به جنگ و ستیز درآمد ما در این صحنه نبرد میان حق و باطل دولت آمریکا

نه تنها در کنار باطل علیه ملت ایران قرار گرفت بلکه خود بعنوان یک شیطان بزرگ مرکز و محور تمامی توطئه‌ها علیه ملت ایران شد و با تمام نیرو و پشتیبانی و حمایت از کیفیت‌ترین عناصر علیه ملت ایران پرداخت دولت شما با حمایت از شاه و دربار پهلوی و کنترل ارتش نقشی همانند بریتانیا در کشور ما در پیش گرفت و بدخالت‌های واضح و آشکار در شئون داخلی ایران مبادرت ورزید.

اوج دخالت‌های ناروای آمریکا در ایران در ۲۸ مرداد ۱۳۳۳ مطابق با ۲۵ اوت ۱۹۵۴ بوقوع پیوست دولت آمریکا با طرح و اجرای کودتای ننگین و خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۳ حکومت قانونی دکتر مصدق را که متکی به رای اراده ملت ایران بود سرنگون ساخته و شاه چایکنار را که از ترس انتقام ملت به خارج از کشور فرار کرده بود به ایران بازگردانید و یک رژیم کودتایی را بر ما تحمیل کرد دخالت واضح و صریح آمریکا در ایران و تحمیل رژیم ننگین شاه نه تنها نقض آشکار تمامی قوانین و مقررات بین‌المللی که نقض قوانین و مقررات خود آمریکا نیز بود قوانین آمریکا هرگز به دولت‌های شما و سازمان سیا اجازه نمی‌دهد که در امور داخلی هیچ‌کشوری دخالت نمایند. نیازی نمی‌بینیم که مدارک و اسناد شرکت مستقیم آمریکا را در کودتای ۲۸ مرداد ۳۳ که مهمترین آنها نزد خود شما است برای شما بازگو کنیم.

همیشه این دولت آمریکا بوده است که قوانین بین‌المللی را نقض کرده و زیر پا گذاشته است؛ نه تنها در ایران بلکه در سایر نقاط جهان نظیر شیلی - ونزوئلا - اندونزی یا مصر و فلسطین و دیگر کشورها. بگذارید مردم آمریکا بدانند که مقامات رسمی دولت آنها چه جنایاتی را در ایران مرتکب شده‌اند و بدانند چرا ملت ایران مصراانه میخواهد که این جنایات عظیم بررسی و عاملین آن معرفی شود.

بموجب اقرار و اعترافات مقامات رسمی آمریکا طراحی و گرداندگی آمریکا در کودتای ننگین و یسرمانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۳ و تحمیل رژیم شاه فاسد بقیه در صفحه ۸

در صفحات بعد

شناخت دوستان واقعی انقلاب،
جبهه پیکار علیه دشمنان انقلاب
را تقویت می کند

صفحه ۲

بمناسبت «هفته همبستگی با خلق شیلی»

(شهریور ۱۸ - ۱۳)

صفحه ۲

«سازمان وحدت آفریقا» را بشناسیم

صفحه ۶

حزب طبقه کارگر لهستان نیروی محرک اصلی در کار ساختمان سوسیالیسم بوده و هست و خواهد بود

صفحه ۴

گزارشی از کوره‌پزخانه‌های خوزستان: اردوی کار و محرومیت

صفحه ۴

در روستای کچوری (۱۲۰ کیلومتری شیراز) هنوز بزرگ‌مالکان فرمان می‌دهند

صفحه ۵

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

بمناسبت «هفته همبستگی با خلق شیلی» (۱۸-۱۳ شهریور)

نیروهای مترقی و دمکراتیک جهان هر ساله روزهای ۱۳-۱۸ شهریور را بعنوان «هفته همبستگی با خلق شیلی» بزرگ میدارند.

ده سال پیش، در روز ۱۳ شهریور ۱۳۴۹، «اونیداد پوپولار» مرکب از مهم‌ترین احزاب و گروه‌های سیاسی ضدامپریالیست و دمکراتیک شیلی (از جمله حزب سوسیالیست شیلی و حزب کمونیست شیلی) و به رهبری سالوادور آلینده، در انتخابات همگانی اکثریت آراء را بدست آورد و زمام امور را بدست گرفت.

سه سال بعد، در روز ۲۰ شهریور ۱۳۵۲، «سیاه بکمک ایادی خود کودتایی خونین را در شیلی برآوردند و پس از سرنگون کردن حکومت قانونی آلینده، خونتای نظامی ددمنشی را بر سر کردگی ینوشه بر سر کار آورد. کودتای «سیاه» ساخته شیلی موجی بیسابقه از آدمکشی را در پی داشت. حدس زده میشود که در مرحله نخستین ترور آشکار در شیلی، حداقل سی هزارمین پرست آن کشور بدست ذبحخاف ینوشه بهلاکت رسیدند. جنایات رژیم کودتا خشم گسترده مردم سراسر جهان را برانگیخت. جهانیان به اعتراض وسیع علیه زمامداران جدید شیلی و اربابان آمریکائی آنها برخاستند و استقرار آزادیهای دمکراتیک و رعایت حقوق بشر را در شیلی خواستار شدند.

داردوست ینوشه، پس از آنکه با دست یازی به همه گونه قهردهشت انگیز، حاکمیت منحوس خویش را بر خلق ستمدیده شیلی تحمیل کرد، برای فریب افکار عمومی جهان، سرکوبگری خویش را به اشکالی نرفته تر و ظریف تر ادامه داد. با این همه، رژیم شیلی، که فرآورده خشونت با ترسین نقض حاکمیت خلق بود و جز انحصارگران آمریکا و پنتاگون نشتیان در میان توده مردم تکیه گاهی نداشت، ویژگیهای ذاتی خود، یعنی بازداشت خودسرانه، بدمرطاری، شکنجه، قتل و آدمربایی را حفظ کرد. بسخن دیگر، ترور و اختناق به نهاد بنیادی رژیم مبدل گشت.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در قطعنامه ۳۳۰۱۷۵ خود، در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۵۷، برای چندمین بار «انزجار گماگان خود را از نقض مداوم حقوق بشر در شیلی» ابراز داشت. این قطعنامه از مقامات شیلی خواست که بیدرتک به استقرار و تضمین آزادیهای بنیادی بیردازند و موافقت نامه‌های بین المللی را، که شیلی نیز با امضای خود، خویش

را بر عایت آنها متعهد ساخته است، محترم شمرند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد گروهی ویژه را مامور کرد که به بررسی حقوق بشر در شیلی بپردازد و در این باره به اجلاسیه بعد «مجمع» گزارش دهد. اما چنانکه گزارش کرده ویژه به مجمع عمومی در پائیز سال گذشته، قطعنامه ۴۳۰۸۳ رأی دکتیه سوم مجمع عمومی، سازمان ملل در دیماه ۱۳۵۸ و بویژه تحولات داخلی شیلی در ماههای پیش نشان میدهد، رژیم وابسته و خون آشام شیلی با ادامه، و در بسیاری موارد، تشدید اختناق ترور، بار دیگر بی اعتنائی گستاخانه خود را نسبت به افکار عمومی شیلی و جهان بشوت میرساند.

از سوی دیگر، پایای گسترش اختناق، ایستادگی دلارانه مردم شیلی نیز در برابر خودکامگی‌های اسارت بار خونتای نظامی ابعاد جدیدی می یابد. یکی از ویژگیهای سمرت بخش جنبش مقاومت شیلی آنست که، نیروهای ضدفاشیستی آن کشور هر چه بیشتر به ضرورت اتحاد در مبارزه برای سرنگونی ینوشه و دارودسته تبه کارش وقوف می یابند.

در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸، جشن جهانی کارگران، بزرگترین تظاهرات ضدفاشیستی از کوه‌های ۱۳۵۲ تا به آن هنگام، در سانتیاگو برگزار شد. چندی بعد، زحمتکشان شیلی به اعتراض گسترده علیه باصلاح طرح کاره رژیم، که هدفش ایجاد ففاق در جنبش سندیکایی و تشدید استثمار کارگران بود، دست زدند. در روز ۲۶ مرداد ۱۳۵۸ کمیته‌ای برای دفاع از حقوق سندیکایی تشکیل شد، که همه محافل دمکراتیک جنبش اتحادیه‌های کارگری شیلی در آن شرکت دارند.

کارگران شیلی، علیرغم محدودیت‌های سهمگینی که «طرح کار» برای آنها فراهم آورده است، برای پیشبرد حقوق حقه خود بارها به اعتصاب پرداخته‌اند. برای نمونه، میتوان در این زمینه به اعتصاب وسیع مس کاران در ال‌تینته اشاره کرد.

مبارزه با زمامداران «گمشدگان» نیز در سال‌های گذشته در شیلی بس گسترش یافت. در پائیز ۱۳۵۸ گروه کثیری از آنها با اعتصاب غذای خود، ینوشه جلاد را وادار ساختند، تا واگذاری اجساد «دونگون» را به خانواده‌ها. هایشان متعهد شود و پس از آنکه وی به قول خود عمل نکند، هزاران نفر در خیابانهای پایتخت علیه او به

تظاهرات پرداختند. چندی پیش نیز کشف قبری حاوی اجساد ۱۹ «گمشده» در شهرک لاخا تظاهرات شکوهمند پانزده هزار ضدفاشیست را در پی داشت.

جنبش مقاومت ضد رژیم اینک دانشگاههای شیلی را نیز دربر گرفته است. دانشجویان شیلی در دوران گذشته بارها برای استقرار رعایت موازین دمکراسی در دانشگاه، به تظاهرات مبادرت ورزیده‌اند، بسیاری از روشنفکران و هنرمندان شیلی هم بانگ خود را علیه خودکامگی‌های ینوشه و اعوان و انصارش بلند کرده‌اند.

حتی قشرهایی از مردم فریب خورده نیز، که در زمان آئینده آلت تحریک ضد انقلاب قرار گرفته بودند و بعدها نیز از کودتا استقبال کردند، اکنون به مبارزه علیه رژیم کشیده شده‌اند. در این زمینه، میتوان برای نمونه از اعتراضات کامیون‌رانان، کسبه، یزمشکان و تاکسی‌رانان نام برد. چندماه پیش سه هزار زن در خیابانهای سانتیاگو با دیک‌های خالی علیه وضع توافرتسای اقتصادی اعتراض کردند. پیش‌بینی میشود که بیش از ۱۵ درصد زحمتکشان شیلی بی‌کارند. از سوی دیگر قدرت خرید مردم، بسبب کاهش چشمگیر درآمد واقعی‌شان، بس قلیل یافته است.

«اونیداد پوپولار» باردیگر فعالیت رزمنده خود را در سراسر شیلی گسترش بخشیده است و با تشکیل میتینگها و تظاهرات گوناگون، پیکار مردم شیلی را برای برچیدن بساط ظلم و فساد ینوشه و شرکا بسبج و رهبری میکند. خونتای شیلی برخاش گسترده مردم شیلی را با قدرت‌نمایی سرکوبگرانه پاسخ میدهد و میکوشد تا مخالفان خود را با توقیف و شکنجه و قتل خفه سازد. چندی پیش بیش از صد استاد دانشگاه از کاربرد کتاب و صدها دانشجوی مبارز از دانشگاهها اخراج شدند. در تظاهرات «روز بین المللی زن» و «جنبش اول ماه مه» امسال، که علیرغم تهدیدات رژیم، با شکوه بی نظیر در سراسر شیلی برپا گشت، صدها نفر توقیف، مجروح و حتی کشته شدند.

در روزهای نخستین سال جاری، ینوشه خواست تا با سفر خود به فیجی و فیلیپین، برای خویش «وجهه بین المللی» کسب کند. این سفر، که قرار بود سیزده روز طول بکشد، با آبروریزی مقتضانه دیکتاتور پس از یکروز پایان یافت. ینوشه در فرودگاه فیجی با «استقبال» چهار هزار نفر، که تخم مرغ و تاپاله بر وی او پرتاب می-

کردند، مواجه گشت و مارکوس، دیکتاتور فیلیپین، هم که نمیتوانست امنیت همایش را تضمین کند، عذر اورا خواست.

ینوشه، پس از فاجعه اقیانوس آرام، دقدلش را روی وزیر خارجه اش، گویوس، خالی و او را معزول کرد. این اقدام سبب شد که دو تن از اعضای خونتای، یعنی فرماندهن نیروی دریایی و هوایی شیلی، استعفا بدهند. بدین ترتیب، ینوشه بتدریج در میان دارودسته خود نیز هر چه بیشتر منزوی میگردد.

ینوشه، که در هفت سال گذشته، برای تامین منابع چپاولگرانه اربابان آمریکایی خود از هیچگونه جنایتی فروگذار نکرده است، اینک بر آنست که گستاخانه ترین اهانت را در حق مردم شیلی روا دارد. وی میخواید در روز ۱۳ شهریور، یعنی همان روزی، که انصارگران آمریکایی و سازمان ننگین «سیاه» بانقض فاحش قوانین شیلی و موازین بین المللی و سرنگون ساختن حکومت قانونی آن کشور، براریکه قدرت نداشتند و تنها «قانونیت» رژیمش تکیه بر سر نیزه بوده است، درباره پیش‌نویس «قانون اساسی» جدید همه پرسى کند.

بموجب این «قانون اساسی» کذایی، ینوشه شش سال دیگر «قانونیت» ادامه جنایتکاری خواهد یافت و چنانچه «ضرورت» تعدید رژیم ترور و اختناق ایجاب کند، برای یک دوره دیگر نیز بر مسند قدرت خواهد نشست. در تمام این مدت، احزاب سیاسی و سازمانهای توده‌ای از هر گونه فعالیت قانونی محروم خواهند ماند. شخص ینوشه «نمایندگان» سنا را بر خواهد گردید!

اما چنانکه واکنش‌های اعتراض آمیز مردم در روزهای اخیر نشان می‌دهد، خلق شیلی بسبج روزه گول این شرکرد فریادکارانه را نخواهد خورد و چنین اهانت را با تحکیم روزافزون اتحاد همه نیروهای ضدفاشیستی و تشدید مبارزه برای سرنگونی دارودسته خونخوار ینوشه، استقرار دمکراسی در شیلی پاسخ خواهد گفت. حزب توده ایران، که همواره از پیکار جانبازان خلق و کمونیست‌های شیلی علیه رژیم «سیاه» پرورده پیونش پشتیبانی کرده است، باردیگر همبستگی عمیق خود را با همه ضدفاشیست‌ها و میهن پرستان آن کشور در مبارزه‌اش، با خونتای خون آشام سانتیاگو ابراز میدارد.

حزب طبقه کارگر لهستان، نیروی محرک اصلی در کار ساختمان سوسیالیسم بوده و هست و خواهد بود

بموجب اطلاعات منتشره در ورشو، از شمار اعتصابات همدر سواحل و هم بطور کلی در سراسر کشور به مراتب کاسته شده است. در شهرها و منجمله در گدانسک کارخانه کشتی سازی و واحدهای صنعتی شروع بکسار کردند. در مطبوعات لهستان مقالاتی منتشر شده که در آنها از وظایفی که در اوضاع پیش آمده کنونی در برابر کنورقرار گرفته، صحبت میشود. روزنامه تریبونالودو، ارگان کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، خاطر نشان میکند که با وجود دشواریها و اشتباهات، حزب نیروی محرک اصلی در کسار ساختمان سوسیالیسم بوده و هست و خواهد بود.

حزب متحد کارگری لهستان، حزب طبقه کارگر و کلیه قشرهای حرفه‌ای و اجتماعی و نماینده قشرهای مختلف اجتماعی و لسله‌های مختلف مردم ایسن کشور است.

این روزنامه متذکر میشود که، متاسفانه تمام آنچه که پس از کنگره هشتم حزب متحد کارگری لهستان، از کمیته مرکزی گرفته تا پائین ترین سازمانهای حزبی انجام دادند، بعلل زیادی برای برطرف ساختن مشکلات موجود و اشتباهات و ناقصی کار، در درجه اول در رشته‌های اقتصادی و اجتماعی، کافی نبوده است.

این روزنامه سپس متذکر می شود که، نیروهای داخلی مخالف ترقی و پیشرفت سوسیالیستی لهستان و نیروهای ضد سوسیالیستی خارجی پچای خود از پرحران کنونی نمیتوان محیط مناسب و پرورشگاه برای اقدامات ضد لهستانی و حمله به سوسیالیسم و نقش رهبری حزب در زندگی لهستان استفاده میکنند.

این روزنامه سپس می نویسد: ساده لوحی است هر گاه نمی دیدیم که این گونه اشخاص استعداد دارند در مبارزه سیاسی با وقاحت از هر گونه وسیله و بهانه و شیوه استفاده کنند و استعداد خواهد کرد، و کمونیستهای لهستان باید برای مقابله با آنان آماده باشند. خبرگزاری لهستانی، تاپ، نیز نسیری منتشر کرد که در آن گفته میشود، محافل امپریالیستی از دشواریهایی که در امور کشور پدیدار شده، استفاده میکنند و نمی‌خواهند بگذارند که ایسن مشکلات بطرز مثبت حل و فصل شود، زیرا حل و فصل مثبت این مشکلات فقط بر اساس اصول حقوقی و قواعد سوسیالیستی امکان پذیر است. ولی ما بقلو خرد دسته جمعی و نمر بخشی طبقه کارگر لهستان و به شعور عالی طبقاتی او و درک نقش خویش در دفاع از منافع کشور ایمان داریم. هتکران عملیات ضد سوسیالیستی و ضد لهستانی شعارها و خواستهای عوام فریبانه‌ای بمران میکشند. اشخاصی از کشورهای غربی، که بسیاری از آنها با نظرات ضد سوسیالیستی خود را پنهان نمیسازند، برای دیدار وارد جمهوری خلق لهستان میشوند. نمایندگان مطبوعات ارتجاعی کشورهای غربی روز بروز بیشتر از لهستان دیدن میکنند. آنها با اطلاعاتی در خارج از کشور پخش میکنند که از آنها با کمال میل برای عملیات تخریبی علیه نظام سوسیالیستی لهستان استفاده میشود. مطبوعات لهستان به این نکته اشاره میکنند که در همان حال که حزب، زحمتکشان این کشور را به فعالیت در راه رفع مشکلات اجتماعی، اقتصادی و بکار انداختن کارخانه‌ها و مسر و سامان دادن سیستم تامین اهالی از لحاظ

کالاهای ضروری و امور حمل و نقل دتوت میکند، میلفان غرب ظاهرا برای اجرای مقاصد مفسدم چویانه خود این ادعا را مطرح می‌سازند که تقویا در لهستان شرایط لازم برای باصلاح روند لیبرالیزاسیون وجود دارد. این ادعا مفهوم معنی دارد و هدفش بی‌معنی کردن ارزشیابی طبقاتی رویدادهای کونی و تلقین تصویری است که درباره حقوق و آزادیها در غرب رایج است. در این زمینه به بیانات کارتر عطف توجه میشود که طی آن از سیر حوادث لهستان ابراز وجد و رضایت کرده است. در این اظهار نظر تصور کذایی کارتر درباره حقوق بشر نیز منعکس است. ریگان که مدعی دیگر ریاست جمهوری است، نظر خود را از این هم صریح تر بیان داشت. این روزها مطبوعات بورژوازی خبر میدهند که برخی از اتحادیه‌های سوسیال دمکرات کشورهای غربی برای کسانی که در حقیقت امر به اختلالگری در نظام سوسیالیستی لهستان مشغولند، مبالغ هنگفتی پول فرستاده‌اند. مطبوعات لهستان مینویسند که این کشور اکنون مجبور است تصمیم‌های بفرنجی اتخاذ کند و این تصمیمها باید سنجیده و مدلل باشد. در این زمینه باید «تنها پس‌آمدهای اقتصادی، بلکه دیگر عواقب احتمالی نیز در نظر گرفته شود. هر قدر بیشتر زحمتکشان سراسر لهستان تلاش‌های خود را متمرکز سازند، به همان اندازه نیز کشور تحت رهبری حزب زودتر موفق خواهد شد از وضع پیچیده‌ای که دچار آن شده است، خارج شود.

تصحیح

در لیست سندیکاها و نمایندگان استان کرمان، که در نامه «مردم» مورخ ۴/۹/۵۹ درج شده بود، اشتباهاتی رخ داد، که با درج مجدد این لیست، تصحیح میگردد.

- سندیکای شهرداری کرمان
- سندیکای «مندان اسفند» و آبدشت
- سندیکای شرکت ملی نفت ناحیه کرمان
- سندیکای سازمان آب کرمان
- سندیکای کارگران کوی ذوب آهن کرمان
- سندیکای کارگران کارخانه قند بردسیر
- سندیکای کارگران پسی گولای کرمان
- سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی کرمان
- سندیکای آب و برق منطقه‌ای کرمان
- نماینده کارگران برق منطقه‌ای رفسنجان
- نماینده کارگران شهرداری رفسنجان
- نماینده کارگران صنایع پلاستیک
- نماینده کارگران برق منطقه‌ای میرجان
- نماینده کارگران شهرداری میرجان
- نماینده کارگران ساختمانی
- نماینده کارگران مانا
- نماینده کارگران گسترش مسکن
- نماینده کارگران شرکت خوراک کرمان

ورزش

تیم قایقرانی ایران در اسپانیا هفتم شد

تیم قایقرانی ایران در مسابقه بین المللی قایقرانی اسپانیا، در رشت کاباک چهار نفره، به مقام هفتم رسیده است. در این مسابقه ها ۴۴۰ تیم اروپا شرکت کرده بودند. اعضای تیم ایران در این مسابقه، بترتیب زیر بودند: آقایان حمید صنعتی، عباس مستجاب‌الدعوه، ناصر صفرخانی امیر روله

دوشنبه هر هفته مسابقات مشتازنی برگزار میشود از طرف فدراسیون مشتزنی ایران اعلام شد که هر هفته روزهای دوشنبه، مسابقات مشتزنی تسویقی در سالن مشتزنی ورزشگاه امجدیه برگزار خواهد شد.

مشکل ساکنان محله قبله (شیراز) را حل کنید

محله قبله یکی از مناطق مستضعف نشین شیراز است، که اهالی آنرا مهاجران روستایی تشکیل میدهند. از زمین‌های این منطقه ۴۰۰ قطعه آن تفکیک شده است. این ۴۰۰ قطعه زمین که فاقد سند رسمی‌اند، با پنجالی سه فروش رسیده است. صاحبان این ۴۰۰ قطعه زمین به منظور ساختن منزلتگاهی برای اسکان خود، احتیاج به وام بانکی دارند، اما به علت نداشتن سند رسمی نمی‌توانند از وام بانکی استفاده کنند. برای دادن سند هم طبق قوانین باید امضای مالکین قبلی در زیر تقاضا نامه باشد. مالکین قبلی زمینها که دو نفر هستند، به علت درگیری بین خود، از امضای تقاضا نامه خودداری می‌کنند و این امر باعث شده است که صاحبان فعلی آنها بلا تکلیف بمانند. صاحبان این زمینها برای گرفتن سند رسمی به دادگاه انقلاب مراجعه کرده‌اند، که تاکنون هیچ نتیجه‌ای نگرفته‌اند. بر مقامات دادگاه شهر شیراز است که در جهت رفع خواستهای این زحمتکشان که بگفته امام خمینی ستون فقرات انقلاب ما هستند، اقدامات عاجل به عمل آورند.

کمبود امکانات پزشکی در مرودشت

اهالی شهرستان مرودشت از داشتن بیمارستان و امکانات بهداشتی در «ضیقه» هستند. این شهر که در ۵۰ کیلومتری شیراز قرار دارد، با توجه به تعداد جمعیت اهالی خود و ساکنان کثیر روستاهای اطراف، فاقد بیمارستان است و بیمارستان شیرخورشید شهر نیز از امکانات محدودی برخوردار است. از این لحاظ زحمتکشان این منطقه از نظر

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

شناخت دوستان واقعی انقلاب، جبهه پیکار علیه دشمنان انقلاب را تقویت می کند

و واقعی توطئه ها، مداخله نظامی و تجاوز مسلحانه از جانب امپریالیسم آمریکا و رژیم های وابسته به آن در منطقه روبروست. نیروها و عناصر ضدانقلاب درون کشور از جانب دواثر جاسوسی آمریکا، انگلستان، اسرائیل، مصر و پاکستان سازمان داده شده اند. زیر رهبری این دواثر جاسوسی عناصر ضدانقلابی به عملیات تروریستی، انفجار، حملات مسلحانه به مراکز پاسداران و یادگانها می پردازند و می کوشند با ایجاد رعب و وحشت و بدبینی نسبت به انقلاب، زمینه های مساعد را جهت پیاده کردن توطئه های امپریالیستی، باهدف براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم سازند.

در چنین شرایطی، تشخیص دوستان واقعی انقلاب ایران و شناخت تفاوت های ماهوی سیاستها و برخورد های آنان نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در مقایسه با اقدامات و سیاست های دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، حائز اهمیت فراوانی است. شناخت دوستان انقلاب می تواند به استحکام و ثبات مواضع بین المللی جمهوری اسلامی ایران مساعدت کند و بر امکانات محکوم به شکست کردن توطئه های امپریالیستی بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بیفزاید. تردیدی نیست که پیروزی انقلاب ایران و سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، ضربه بزرگ و جبران ناپذیری بر مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، به مقیاس منطقه و در سطح جهانی وارد کرده است. پیروزی انقلاب ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی، در راستای روند کلی انقلاب جهانی، یعنی انقلاب خلق های ستمدیده علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و سیاست استعماری و نو استعماری آن انجام گرفته است. پس انقلاب ایران، مانند هر انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی دیگر، در گستره جهانی با کلیه نیروهای انقلاب جهانی، یعنی نیروهای ضدامپریالیستی، ضد استعماری و نیروهای طرفدار آزادی و استقلال ملی، صرف نظر از موقعیت جغرافیایی، تعلق های ملی و قومی و عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی آنان، همروند و دارای منافع مشترکی است.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، که به حکم سرنوشت نظام اجتماعی خود در قطب مقابل امپریالیسم جهانی قرار دارند و مخالف استثمار و استعمار و وابستگی خلقها هستند، طبیعتاً پشتیبان انقلاب های ضدامپریالیستی و خلقی و مبارزات خلقها در راه آزادی و استقلال

تمام محام بین المللی، و از جمله در سازمان ملل متحد، همواره از مواضع و خواسته های بحق و عادلانه کشورهای مستقل ملی در برابر اجحافات و تجاوزات امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، دفاع کرده اند.

اتحاد شوروی به منابه عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد از حق وتوی خود همواره در جهت منافع خلقها و کشورهایی که علیه امپریالیسم مبارزه می کنند و در جهت تضعیف اقدامات و مواضع امپریالیسم جهانی، استفاده کرده است. آخرین نمونه برجسته آن قطعنامه پیشنهادی آمریکا به شورای امنیت درباره محاصره اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بود که، اتحاد شوروی با استفاده از حق وتوی خود آنرا رد کرد، در نتیجه امپریالیسم آمریکا نتوانست به سیاست محاصره اقتصادی خود علیه ایران جنبه قانونی بدهد و آنرا از طریق سازمان ملل متحد تحمیل کند.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از دوران آغاز جنبش انقلابی و پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، همواره از این انقلاب پشتیبانی کرده و توطئه ها و اقدامات مداخله گرانه امپریالیسم آمریکا و دیگر نیروهای ضدانقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران و رهبری آنرا محکوم ساخته اند.

دولت اتحاد شوروی در آستانه پیروزی انقلاب، با خطارجردی و رسمی خود، امپریالیسم آمریکا را از تجاوز و مداخله مسلحانه علیه ایران بر حذر داشت و در دوران پس از انقلاب نیز بارها بر مواضع خود، در مورد احتمال تجاوز مسلحانه خارجی علیه جمهوری اسلامی ایران، تأکید کرده است.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی پس از پیروزی انقلاب، همواره آمادگی خود را برای گسترش روابط دوستانه و همکاری های اقتصادی و تبادل بازرگانی با جمهوری اسلامی ایران ابراز داشته اند و زمانیکه دولت آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه داری غربی و ژاپن سیاست تحریم و محاصره اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران را اعمال کردند، اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی رسماً اعلام نمودند که حاضرند تمام نیازمندی های ایران را از لحاظ کالاهای صنعتی و مواد خوراکی تامین کنند، و بر این اساس طی ماههای اخیر رسته قراردادهای موافقت نامه های اقتصادی و بازرگانی با جمهوری اسلامی ایران بستند.

در تمام دوران پس از انقلاب، در برنامه های رسانه های گروهی و در مطبوعات اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، چه برای داخل و چه خارج از کشور، یک خبر، یک گزارش، یک تفسیری وجود نداشته و ندارد که علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باشد و یا جنبه تحریف و تحریک آمیز داشته باشد. در رسانه های گروهی و در مطبوعات اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بطور بیگانه و قاطع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و رهبر انقلاب امام خمینی پشتیبانی میشود و دسیسه ها و توطئه های امپریالیستی محکوم و افشاء می گردد.

اتخاذ یک چنین سیاست اصولی از جانب اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی نسبت

به انقلابها و جنبش های رهائی بخش و استقلال طلبانه، و از جمله نسبت به انقلاب ایران، نه بخاطر سودجویی و یا جلب رضایت خاطر این کشور یا آن کشور و یا این دولت و یا آن دولت است. کشورهای سوسیالیستی بر حسب ماهیت نظام اجتماعی خود، بر حسب مواضع اصولی ضد امپریالیستی، ضد استعماری و دفاع از استقلال و آزادی خلقها، پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را، صرف نظر از ویژگی های اجتماعی و ایدئولوژیک آن، وظیفه خود می دانند و هیچگونه تحریک و کارشکنی و تخریب در روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، کشورهای جامعه سوسیالیستی را از ایفای این وظیفه انترناسیونالیستی منصرف نخواهد کرد.

اما متأسفانه بر اثر تبلیغات ضد شوروی و ضد کمونیستی، که به عمد از جانب محافل معین دامن زده می شود، واقعیت مواضع و برخورد اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تحریف شده تصویر میگردد. این محافل می کوشند شعار "نه شرقی نه غربی" را، که مفهوم واقعی آن عدم وابستگی به دولت های خارجی و استقلال ملی راستین است، به صورت یکسان بودن ماهیت نظام سوسیالیستی با دول امپریالیستی و نیز همگون بودن سیاست و مواضع اتحاد شوروی با سیاست و مواضع امپریالیسم آمریکا نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وانمود سازند و بدینسان جمهوری اسلامی ایران را در مواضع خصمانه نسبت به کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی قرار دهند.

ولی اگر حداقل این واقعیت را بیاد بیاوریم که در سندا افشاء شده درباره توطئه امپریالیسم آمریکا علیه ایران، برزیل یکی از زبان رئیس جمهور آمریکا به صراحت تأکید می کند که کوشش برای بوخامت کشاندن روابط ایران با کشورهای همجوار و بیرون تلاش برای پایان بخشیدن پشتیبانی سیاسی اتحاد شوروی از جمهوری اسلامی ایران، مواضع و موقعیت جمهوری اسلامی ایران را تضعیف میکند و زمینه را برای براندازی آن فراهم می سازد، پس آن وقت کاملاً آشکار می شود که محافلی که به عمد سعی در تخریب روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی دارند، در راه اجرای این توصیه گارتر - برزیلسکی گام برمیدارند و به تضعیف مواضع جمهوری اسلامی ایران مساعدت می کنند.

آنوقت این واقعیت برای کسانی که تحت تأثیر تبلیغات و پیشداوری های ضد کمونیستی و ضد شوروی ناآگاهانه و ناخواسته در این راه گام برمیدارند، هشدار جدی است. و ما، بویژه در این شرایط که امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن با تمام نیروی اهریمنی خویش برای درهم شکستن انقلاب و سرنگون ساختن جمهوری اسلامی ایران در کار توطئه اند، در شرایطی که برای مقابله با این توطئه، از جمله پشتیبانی دوستان انقلاب در سطح جهانی نیز اهمیت حیاتی دارد، این هشدار جدی را تکرار می کنیم.

سفیر فلسطین و کاردار سفارت لیبی:

خطراتی که انقلاب ایران و صلح و امنیت منطقه را تهدید میکند، از سوی امریکاست

ناز جنگی و بیست ناوچه و ۱۸۰۰ تنگنار دریایی آمریکائی بتازگی در اقیانوس هند به دریای عمان اعزام شده اند. هارولد براون وزیر دفاع آمریکا مسئله حمله نظامی آمریکا به ایران را تأیید کرد و ژنرال ژان پل فرمانده عملیاتی آمریکا در اقیانوس هند به افزایش نیروهای آمریکائی در این منطقه اشاره کرده است.

علاوه بر تشدید فعالیت های نظامی و توسعه دامنه اندازات جنگی امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، رؤیای دست نشاندگی و وابسته به امپریالیسم آمریکا در منطقه، طی دوران اخیر اقداماتی در جهت نزدیک روابط و همکاری های نظامی میان خود به عمل آورده اند.

جندی پیش ضیاع الحاق دیکتاتور نظامی پاکستان و صدام حسین رئیس دولت بعث عراق از عربستان سعودی دیدار کردند و با زمامداران این کشور در مورد مسائل مربوط به همکاری های نظامی مذاکراتی به عمل آوردند. در نتیجه این مذاکرات، دولت عربستان سعودی همکاری های نظامی خود به پاکستان را افزایش خواهد داد. از سوی دیگر دولت صیونیستی اسرائیل حملات مسلحانه خود از جنوب لبنان را علیه سازمان آزادیبخش فلسطینی و هر روز به جنایات جدیدی علیه زندگان فلسطینی و لبنانی دست میزند. رژیم جنایت پیشه انور سادات بسوا تمرکز نیروهای مسلح خود در سرزمین های لیبی، کشور مستقل لیبی را مورد تهدید قرار میدهد و با اقدامات ماجراجویانه تحریک آمیز خود اوضاع منطقه را متشنج تر می سازد.

عملیات تجاوزی نیروهای مسلح دولت بعث عراق

غازی الحسینی سفیر فلسطین در ایران و فتحی - الصوری کاردار سفارت لیبی، طی مصاحبه های با خبرنگار پارس، بر خطری که از جانب امپریالیسم آمریکا انقلاب ایران، انقلاب فلسطین و صلح و امنیت منطقه را بطور جدی تهدید میکند، تأکید نمودند.

غازی الحسینی سفیر فلسطین در ایران، در پاسخ به این سؤال خبرنگار که: در رابطه با نقل و انتقالات اخیر (نیروهای نظامی آمریکا) در این منطقه و اظهارات هارولد براون وزیر دفاع آمریکا و ژنرال پل کلسی فرمانده نیروی دریایی آمریکا در اقیانوس هند، نظر شما چیست، اظهار داشت:

«قدرت نمائی آمریکا در منطقه پدیده احساسی خطری است که از سوی انقلاب اسلامی ایران متوجه آمریکا است. لذا آمریکا بدینوسیله میخواهد علیه انقلاب ایران توطئه کند».

غازی الحسینی افزود: «منظور آمریکا از این توطئه ها تنها انقلاب ایران نیست، بلکه تمام خلق های منطقه و بخصوص انقلاب فلسطین را نیز دربر میگیرد و ما نیز بعنوان انقلابیون فلسطین خطر بزرگی را علیه انقلابیان احساس می کنیم. فتحی الصوری کاردار سفارت لیبی در ایران، در مورد نقل و انتقالات نظامی آمریکا در این منطقه اظهار داشت:

«این نقل و انتقالات یک عملیات مشکوکی است که بدون تردید علیه انقلاب اسلامی ایران است». طی هفته های اخیر فعالیت های نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند شدت یافته است. دو

حزب توده ایران - سازمان شهرستان خرمشهر:

خواستار تخلیه دفتر حزب در خرمشهر و محاکمه اشغال کنندگان هستیم

بدن سال یورش گروهی از عناصر غیرمسئول و اضراد مسکوک به دفتر حزب توده، ایسران خرمشهر، که منجر به تخریب دفتر و سرقت وسایل آن شد، حزب توده ایران - سازمان شهرستان خرمشهر، طی نامه ای به مقامات مسئول، خواستار رسیدگی بدین قضیه، تخلیه دفتر از عناصر متفرقه و محاکمه آنان شد. متن نامه بشرح زیر است:

در نواحی مرزی ایران، تمرکز واحدهای یزرگسازش عراق و نیروهای ضدانقلاب، سرکب از افسران و ساواکیهای فراری، در مرزهای ایران، با قصد تجاوز به نواحی مرزی ایران همچنان ادامه دارد، و همه این اقدامات تحریک آمیز از جانب رژیم های ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم آمریکا، با هدف تضعیف موقعیت و مواضع رژیم های مستقل ملی و ضدامپریالیستی و سازمان آزادیبخش فلسطین انجام میگردد. در چنین شرایطی، گسترش روابط و همکاری های همجانبه جمهوری اسلامی ایران با کشورها عضو جبهه پایداری، یعنی سوریه، لیبی، الجزایر، جمهوری دموکراتیک خلق چین و سازمان آزادیبخش فلسطین، که مانند انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در معرض خطر قتل های تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا و اسرائیل و توطئه های رژیم های دست نشاندگی و ضد خلقی در منطقه هستند، می تواند مواضع و جبهه متحد ضدامپریالیستی این کشورها را استحکام بخشد و نقش های تجاویزی و توطئه های نظامی و سیاسی امپریالیسم آمریکا و رژیم های دست نشاندگی آن در منطقه را محکوم بشکست کند.

ریاست محترم دادگاه انقلاب اسلامی آبادان -

خرمشهر فرمانده محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان خرمشهر

محترما، در تاریخ ۱۳۵۹/۵/۳۱ ساعت ۳/۱۵ دقیقه بعد از ظهر، عده ای از عناصر متفرقه و غیرمسئول، که توسط بعضی از عناصر مشکوک و شناخته شده رهبری میشدند، همراه با سلاح سرد و گرم، نظیر: ساپور، قمه، کلت، به دفتر حزب توده ایران یورش آوردند پس از تخریب ویران و وسایل دفتر، شهر را به آشوب و تشنج کشا کردند، با توجه به موقعیت خاص منطقه و اینگونه اقدامات غیرمسئولانه از جانب عناصر متفرقه، که صریحاً از طرف دادستان کل انقلاب تقبیح شده و آنرا در جهت ضدا انقلاب دانسته است، نظر مقامات مسئول را نسبت به اینگونه اعمال دشمن شادکن و تفرقه آیز جلب می کنیم.

اشغال دفتر حزب ما در خرمشهر و تخریب درو و بنجره و وسایل آن نه تنها هیچ گونه جنبه قانونی ندارد، بلکه این اعمال تحریک آمیز باید بعنوان یکی از عملیات زنجیره عملیات خطرناک در ایجاد تشنج، درگیری و تفرقه نیروها برای فراهم کردن زمینه تحقق توطئه بزرگ علیه جمهوری اسلامی ایران، که مقامات مسئول واقعیت تدارک وسیع آنرا تأیید کرده اند، تلقی شود.

لذا ما قاطعانه از مقامات مسئول دادگاه انقلاب اسلامی آبادان - خرمشهر و فرماندهی سپاه پاسداران خرمشهر خواستار رسیدگی و تخلیه دفتر از عناصر متفرقه و کشاندن آنها بیای میز محاکمه هستیم.

با تقدیم شایسته ترین احترامات حزب توده ایران - سازمان شهرستان خرمشهر ۱۳۵۹/۶/۳

خواستهای کارگران کوره‌پزخانه‌های خوزستان

کار دائم و رسمی
تأمین بهداشت، بیمه و...

دریک کیلومتری پل شاور، بین اهواز و اندیمک، از مینی‌بوس دم کرده پیاپی می‌شویم. راننده عرق پیشانی‌اش را پاک می‌کند. بعد از بسته شدن در، مینی‌بوس از جا کنده می‌شود. روبروی خود، انطرف چاده، ساختمان نسبتاً نو سازی را می‌بینیم، که بر سردر آن یک تابلو: کافه حمدچنانی

را معرفی می‌کند. پشت به کافه، از چاده دور می‌شویم. در سرتا سر منطقه، گله‌به‌گله، زمین کنده شده است و خاکها تل انبار. این منظره عمومی حوالی پل شاور تا روستای عبدالخان است.

در پیست کپه‌های خاک و دوزخ گودالها، گاه دودی به هوا خاسته مشهود است، و زمانی کوره‌های خاموش، اما در حال انسانهای در حال کار از دیده پنهان نمی‌مانند. با اینکه هنوز چند ساعتی به ظهر مانده است، آفتاب داغ آدم را کلافه میکند و چشم را میزند.

چاه خاکی را طی می‌کنیم و نزدیکتر می‌شویم. از زمین کوره‌های نزدیک، سه کوره را انتخاب می‌کنیم و حرکتی را به آن طرف ادا می‌دهیم. به یکی از کوره‌ها می‌رسیم. زنجیر کار بسته شده است. کارگران خشتی‌های خام را دست بدست می‌دهند. خشتی‌ها را می‌گیرند و می‌دهند، نه یکبار نه ده بار، ... این حرکت یکنواخت و سریع در تمام طول کار ادا می‌گردد. بدن‌ها خسته و عرق کرده است و چشم‌ها بسته.

با حرکت دستها، گردن به چپ و راست می‌گردانند. خشتی‌ها را در یک بهر دیف بالا می‌آید. "مف بندها" (کسانی که خشتی‌ها را درون کوره می‌چینند) با مهارت خاصی آنها را روی هم می‌چینند، و چندان رگر دیگر روی خشتی‌ها را نگذارند.

پای هر کوره دهها کارگر در بدترین شرایط کار، در جنب فقر و حرارت، با چهره‌هایی دردمند و قلوبی مالا مال از نفرت از ستم سالیان، فقر چون بختکی هوس دم فشارش را بر این فرزندان رنج و کسار می‌افزاید. کارگرانی که بیشتر از روستاهای اطراف، بواسطه بیگاری و نداشتن زمین و هزارویک مشکل دیگر، به شهر آمده اند و از آنجا اجباراً به کوره‌پزخانه‌ها رانده شده‌اند.

سلام می‌کنیم، جواب، توام با خستگی و پرشی درنگ‌هاست. منتظر می‌مانیم تا ساعت ۱۱ (وقت میخانه) برسد. جای مهیسا می‌کنند. کارگران دست از کار می‌کشند و همانجا کنار کوره بساط "چاشت" بین می‌شود. جمع می‌شوند. هر یک می‌خواهد حرفش را بزند. گفتنی زیاد است، در دشان زیبا دتر، درد

میلیونها برادر دیگر: درد فقر، کار طاقت فرسا و مزد کم، نداشتن کار درآمد، ایمنی در محل کار، نبودن بهداشت و

بیمه و...

شکوه می‌کنند که کسی به فکر آنها نیست و به آنها سری نمی‌زند. ضمن خوردن چای در مورد کوره‌ها توضیحاتی می‌شویم. این کوره‌ها، کوره دستی نام دارند و ظرفیت هر یک از آنها ۲۵ هزار خشت است. برکردن هر کدام حدود ۷ روز طول میکشد. در این سه کوره حدود ۴۰ کارگر کار میکنند. سوخت کوره نفت سیاه است. کارگران فعلی هستند. زمستانها و روزهای بارانی

مجبورند "درخا نه بنشینند". روزی ۸۰ تومان مزد می‌گیرند. مزد صاف بندها بیشتر است. خشت زنی کنتراتی کار می‌کنند. هر ۱۰۰۰ عدد ۳۰ تومان خشت زنی کاری طاقت

اردوی کار و محرومیت



زنجیر کار بسته شده است... در این گرمای سوزان عطش احتیاج از هر نیروی قوی‌تر است!

فرسات، که هر کسی به آن تن در نمی‌دهد، بیشتر خشت زنی کارگران افغانی هستند، که به شدت استعمار می‌شوند. محل زندگی آنها خانه‌های گلی کثرتاً کوره‌هاست.

بعد از جیدن خشتی، روی آنها را گل می‌مالند و کوره را آتش می‌کنند.

کار خشت چینی‌ها دیگر تمام شده است و باید بدیده دنبال کار به کوره‌های دیگر بروند و با کارفرماهای دیگری سروکار بیزنند. از طرف دیگر، آجرهای آماده را چند کارگر دیگر، زکوره‌ها خارج می‌کنند و در کامیون می‌چینند. آجرها هر هزار عدد ۲۲۰ تومان از سر کوره خریداری می‌شوند و تا به فروش می‌رسند، معلوم نیست به چه قیمتی به

کارگران اندوهگینی از شرکتش در انقلاب می‌گوید:

"را ننده" گردیده‌ایم. از اول تظاهرات تا حالا بی‌کارم. مجبورم بیایم سر کوره‌ها کار کنم. قبلاً ما همی ۷۰۰۰ تومان می‌گرفتم. در شرکت کنتراتیون بخش آب‌رسانی کار می‌کردم. در آنجا به تظاہرات دست از کار کشیدم و رفتیم به تظاہرات. بعد از انقلاب وقتی خواستم بروم سرکارم مرا راه ندادند. گفتند تو خلاقری، موقتاً که ما به توجاحتیاج داشتیم، دست از کار کشیدی. آخر من بخاطر مسلمانها دست از کار کشیدم، بخاطر انقلاب، به گفته‌ی امام بود.

گناه که نگردم، امام. راجع به وضع محل سکونتش می‌پرسیم. می‌گوید: "نه برق داریم، نه آب، شب تاریک است و روزگرم از مشکلات دیگری می‌گوید: "بچه‌ها و حتی زخم شناسنا مه ندارند" می‌پرسیم: خواستت از دولت چیست؟ می‌گوید: "کار و حقوق کافی و مزایای قانونی". کارگر دیگری می‌گوید: "من قبل از انقلاب کثرتاً ورز بودم برای تظاہرات به شهر می‌آمدم. در آن موقع کشاورزی ما از بین رفت. برادرم را به سربازی بردند. زن و دو بچه‌اش را بسا خواهرم و مادرم من اداره می‌کردم. حدود ۳۵ هزار تومان ضرر دادم. مدارکش را دارم. حالا چیزی در بساط ندارم. مجبورم اینجا کار کنم. کشاورزی خیلی خوب است. ما از اداره کشاورزی دزفول ۹۰۰۰ تومان وام گرفتیم. کمی هم قرض کردیم. من هم عروسی کردم. الان زمین برای کشاورزی می‌خواهم. باید کمک بکنند. کود و وسیله هم باید بدهند. گفته‌اند باید شید کاغذ بکنید. نمی‌توانم کارم را ول کنم. یک

روز دست از کار بکنم، گرسنه می‌مانیم. تازه بعدش معلوم نیست زمین بماند یا نه." جوانی زحمتکش با عجله جلومی‌آید و می‌گوید: "من هیچ چیز سلامتی امام خمینی را نمی‌خواهم".

می‌پرسیم: چرا؟
"برای اینکه امام خوب است"
با زمی‌پرسیم: چرا خوب است؟ کمی تامل می‌کنند و می‌گویند:
"چون یاور مستضعفان است"

و ادامه می‌دهد:
"من ۸ ساعت دارم، ولی روزی ۸۰ تومان می‌گیرم. این پول به هیچ چیز زمان نمی‌رسد... ما با دست سود داشته‌ایم، عیدی داشته‌ایم، کارمان دائمی باشد، بیمه‌ایم، ساعت کار کنیم، تعطیلی‌ها داشته‌ایم."

کارگران با سابقه‌تر، بدخواست‌های طبقه‌تشان آشنا بی‌بیشتری دارند. از کارگر ۳۲ ساله بیسواد، که با بیای دیگران کار می‌کنند، می‌پرسیم: خواستت چیست؟ مسائل سکوت میکنند، و دیگران به جای او سدا تند، از بیمه و کار و درآمد و ایمنی و بهداشت و... حرف می‌زنند.

می‌پرسیم: چرا؟
"نه برق داریم، نه آب، شب تاریک است و روزگرم از مشکلات دیگری می‌گوید: "بچه‌ها و حتی زخم شناسنا مه ندارند" می‌پرسیم: خواستت از دولت چیست؟ می‌گوید: "کار و حقوق کافی و مزایای قانونی".

کارگر دیگری می‌گوید: "من قبل از انقلاب کثرتاً ورز بودم برای تظاہرات به شهر می‌آمدم. در آن موقع کشاورزی ما از بین رفت. برادرم را به سربازی بردند. زن و دو بچه‌اش را بسا خواهرم و مادرم من اداره می‌کردم. حدود ۳۵ هزار تومان ضرر دادم. مدارکش را دارم. حالا چیزی در بساط ندارم. مجبورم اینجا کار کنم. کشاورزی خیلی خوب است. ما از اداره کشاورزی دزفول ۹۰۰۰ تومان وام گرفتیم. کمی هم قرض کردیم. من هم عروسی کردم. الان زمین برای کشاورزی می‌خواهم. باید کمک بکنند. کود و وسیله هم باید بدهند. گفته‌اند باید شید کاغذ بکنید. نمی‌توانم کارم را ول کنم. یک

و بازتستی بی‌بهره‌اند.

پس از پیروزی انقلاب، گروهی از نقاشان ساختمان سندیکای خود را تشکیل دادند. اما بیشتر کارگران به علت عدم برخورداری از تشکل، از وجود سندیکا بی‌خبرند، خواستهای گروه مهاجر از روستا - که بطور فکری در شهرها کار می‌کنند - از دولت، زمین و آب برای کشاورزی در روستاست. گروه دوم خواهان ارزانی ارزاق عمومی و کالاهای مصرفی و مسکن هستند. با چند تن از آنها به گفتگو نشستیم، تا بهتر از وضع آنها مطلع شویم.

یک کارگر نقاش بنام حیدر می‌گوید: "۶ سال دارم و هفت‌سره‌ایم. زمین من به اندازه‌ای است که اگر محصول خوب بدهد، فقط کفاف نان خالی را میدهد، و برای سایر مخارج زندگی، چون قند، چای، لباس باید چند ماه از خانواده دور باشم، تا بتوانم آن مخارج را تأمین کنم. از دولت می‌خواهم به زندگی آن سروسامان کشاورزان سروسامانی بدهد. او سپس اضافه کرد:

"از ما دیگر گذشته، ولی برای جوانان و بچه‌ها باید فکری بکنند. بچه‌ها از روستا فرار می‌کنند و روانه شهرها می‌شوند و دیگر به روستا بر نمی‌گردند. می‌پرسیم: سندیکا دارید؟

کارگری که داخل کوره کار می‌کنند و پدر و مادر و سه بچه و همسرشان را نان می‌دهند، می‌گویند:
"نمی‌دانم این ۸۰ تومان را پول آب بدهم یا برق، پول لباس بدهم یا آمدورفت، یک کیسه آرد هم که ۲۵۰ تومان است."
در این گرمای سوزان، پای این کوره‌ها، کودکان و نوجوانان فراوانی بچشم می‌خورند که اجباراً به این کار توان فرساستن در داده‌اند. قبلاً کار کوره‌های خوزستان در مواقع گرم، از صبح زود شروع می‌شد و تا ۱۲ ظهر ادا می‌شد. اما کارگران می‌گویند: از بعد از انقلاب اگر ساعت ۱۲ کار را تعطیل کنیم، نصف روز مزد می‌گیریم! دردها شباهت تام دارند:

"۱۴ ساله‌هستم. سواد ندارم. ۵ خواهر و ۲ برادر دارم. فقط من کار می‌کنم. باید خرج پدرم را هم بدهم. او پیراست و کار نمی‌کند."

بیرمردی عرب، در حالیکه زردپا با نا را جتی راه می‌رود، بطرف ما می‌آید. عربی صحبت می‌کند. برایمان ترجمه می‌کنند:

"۶ تا پسر دارم و سه تا دختر. تنها من کار می‌کنم - آنهم وقتی که هوا خوب باشد. شبا را هم کنار کوره می‌خواهم. من می‌خواهم بروم کشاورزی، اما کسی به من زمین نمی‌دهد. می‌گویند چون تو قبلاً نسبی نداشتی به تو زمین تعلق نمی‌گیرد. باید به من زمین بدهند. بچه‌ها هم با زمین نداشته‌اند. تا گندم بکاریم و زمین بماند، ما محرومیم. ما فقیریم!"

وقت کار است. صاحب کوره می‌آید. کارگران آخرین حرف‌هاشان را می‌زنند:

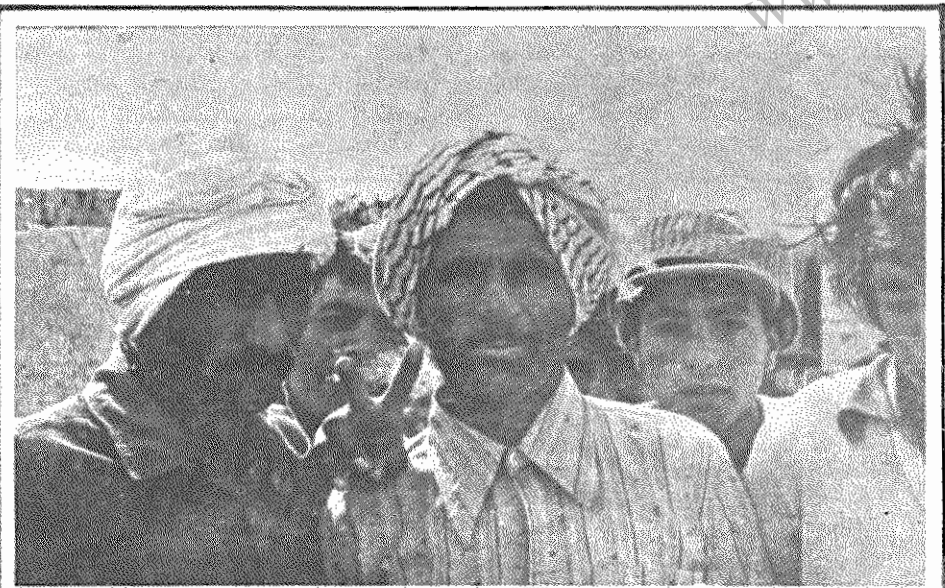
ما کار می‌کنیم و عرق می‌ریزیم، با آمریکا هم می‌جنگیم. عراق هم هیچ کاری نمی‌تواند بکند."
یکی از کارگران دوا نگشتش را بعنوان پیروزی بالا می‌آورد.

صاحب کوره‌ها از ناامنی می‌نالند. می‌گوید:

"شبا به اینجا حمله می‌شود. تا حالا ۴ نفر کشته شده‌اند. هر چه مراجع می‌کنیم، کسی بداد ما نمی‌رسد."

وقت رفتن است. کارگران مشغول کار می‌شوند. زنجیر کار دوباره بسته می‌شود. دست‌ها به کار می‌افتد. گردن‌ها به همسراهِ دست‌ها به چپ و راست می‌رود. خشتی‌چیده می‌شوند و چشم‌ها بسته. کار و تکرار ادا می‌دارد.

ما خدا حافظی کرده‌ایم. گله‌به‌گله زمین‌های اطراف کنده شده است. در دور و نزدیک، ستون‌های دود تیره رنگ به هوا بلند است.



امید کارگران: پیروزی در مبارزه علیه امپریالیسم و برای کسب استقلال

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

هیچ قانونی در کار نیست. بیمه هم نیست. صبح از ساعت هفت به قهوه‌خانه می‌آیم، بعد می‌روم توی پیاده‌رو و ساعتها منتظر می‌مانم.

از سندیکا پرسیدیم. گفت: "سندیکا داریم، ولی دولت به امور سندیکایی کمک نمی‌کند. از این نظر هنوز خیلی مانده تا جا بیفتد." کارگران نقاشی از مسئولین امر می‌خواهند که قوانین کار در مورد آنها به مرحله عمل درآید. آنان هنگامی از سرگردانی، از کار موقت و تصادفی، از عدم تأمین و در یک کلام از زندگی موقتی خسته شده‌اند. بدنیسی است با پیروزی انقلاب، آنان تولد دوباره یافته‌اند، ولی تا تأمین زندگی سعادت‌بار خود و خانواده‌شان، راهی دراز در پیش دارند. دولت انقلاب باید همه اقتدار غیرمترکز کارگران و از جمله نقاشان را در پناه آئیند قانون قرار دهد و با حمایت از تشکل سندیکایی آنان، به تحقق این امر کمک کند.

می‌گوید: "بلی داریم، ولی در این قهوه‌خانه بیش از دوست نفر نقاش هست، که هیچکدام از آن خبر ندارند. ما بیمه نیستیم و قانون کاری که حافظ منافع ما باشد، وجود ندارد."

از او پرسیدیم: "شب کجا می‌خوابید؟"
در پاسخ گفت: "ما نه نفر هستیم که در یک اتاق ۳×۵ می‌خوابیم و هر شب نفری پنج تومان کرایه می‌پردازیم."

حسین عربی، کارگر دیگر، می‌گوید: "چهار و چهار سال دارم. مخارج زندگی چهارده نفر را تأمین می‌کنم. روزی صد و سی تومان مزد می‌گیرم، پس از پیروزی انقلاب، مدت‌ها بیکار بودم. تعداد خانواده من ده نفر است و با چهار برادرزاده‌ام روی برفته چهارده نفر می‌شویم. هشتصد تومان کرایه خانه می‌دهم. قبل از انقلاب صد و سی تومان می‌گرفتم و حالا هم با این گرانی سرسام‌آور صد و سی تومان می‌گیرم."
امام خمینی می‌گوید: انقلاب، انقلاب محرومین است! پس باید بیشتر به طبقه محروم رسیدگی کنند و این کار وظیفه دولت انقلاب است.
علی‌محمد، کارگر نقاش گفت:
"بیست سال است که کارگر نقاش هستم. روزی صد و چهل تومان مزد می‌گیرم، ولی کار من دائمی نیست."

اخبار کارگری

کارگران نقاش را در پناه قانون قرار دهید

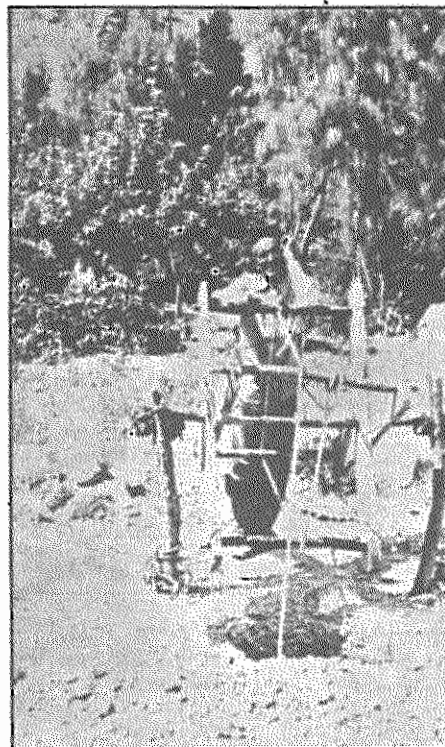
گروهی از کارگران نقاش ساختمان هر روز صبح در میدان و گذرگاه‌های تجمع کارگران بیکار، برای تأمین مایحتاج زندگی و به امید یافتن کار، منتظر می‌نشینند.

وضع آنها نسبت به سالهای قبل از انقلاب فرقی نکرده است، بلکه به علت بیکاری بیش از حد کارگران، بدتر هم شده است.

این گروه کارگران بیشتر مهاجرین روستاهای آذربایجان و عده‌ای هم کارگران ثابت هستند، که در شهر زندگی میکنند. دستمزد آنها از هفتاد تا صد و پنجاه تومان و ساعت کار آنها از صبح تا غروب است. این گروه از خدمات رفاهی، مسکن، بیمه، حمایت قانونی کار

گذری به روستا

در کچوری هنوز مالکان بزرگ فرمان میدهند



در کچوری هنوز مالکان بزرگ فرمان می دهند

روستای کچوری در ۳۰ کیلومتری فسا (۱۲۰ کیلومتری شیراز) به فاصله ۳ کیلومتری از دوراهی فسا قرار دارد. جاده شیراز - نیریز این روستا را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می کند. این روستا در کوهپایه قرار دارد و در نتیجه اکثر خانه های این روستا از سنگ و چوب ساخته شده است. در این روستا ۱۲۵ خانوار زندگی می کنند.

از ۱۲۵ خانوار ساکن این روستا، ۴۱ خانوار در سال ۴۱ م. ح. زمین شدند. یکی از روستائیان در این مورد می گوید: «مجموع زمینهای که در سال ۴۱ م. ح. به ۵ خانوار رسید، جوامیگویی که در سال ۴۱ م. ح. یک خانوار هم نیست. در نتیجه اکثر روستائیان زمینهای خود را رها کردند و فقط عده کمی زمینهای خود را نگاه داشتند. و به یک زندگی بخور و نمیر ساختند. اکثر روستائیان این روستا را رعیت ها (سهم بر) و خوش نشینان تشکیل می دهند. ما تا به حال زمینهای مالکان بزرگ را تقسیم نکرده ایم. مالکان بزرگ عده ای چاقا در دارند و به کمک آنها درگیری به وجود می آورند. ما خواهان تقسیم زمینها از راه قانونی هستیم.»

در اطراف این روستا زمینهای زیادی وجود دارد. بخشی از زمینها در اختیار منابع طبیعی بود و بدون استفاده رها شده بود. روستائیان حق استفاده از زمینها را نداشتند. بخش دیگری از زمینهای این روستا در اختیار مالکان بزرگ است. کشاوری و رضائی با در اختیار داشتن ۵۰۰ هکتار زمین، بزرگترین مالکان این روستا هستند. قسمتی از زمینها دیمی و بقیه آبی هستند. مالکان بزرگ این روستا به خوبی از زمینها استفاده نمی کنند. آنها برای کشت زمینها حتی از آب چاههای موجود استفاده نمی توانند بکنند. و زمینهای آبی را به صورت دیم می کارند. علاوه بر این، مالکان بزرگ همه زمینها را نمی کارند و از کاشت آنها نیز به وسیله دهقانان جلوگیری می کنند.

روستائیان برای مبارزه با مالکان بزرگ شورای خود را تشکیل داده اند. روستائیان برای جلوگیری از درگیری احتمالی، از تصرف زمینهای مالکان بزرگ خودداری کرده اند. روستائیان خواهان اجرائی هر چه سریعتر قانون اصلاحات ارضی هستند.

سهمیه مواد غذایی این روستا به هیچوجه جوامیگویی نیا روستائیان نیست. به یک خانوار ۷ یا ۸ نفری ماهانه کمتر از یک کیلو روغن می رسد. تاپدو برنج نیز جای خود دارد. از نظر تهیه مواد غذایی روستائیان در مضیقه هستند. این روستا برق ندارد. با اینکه این روستا در کنار جاده اصلی بین دو شهر قرار دارد، ساکنان آن از داشتن برق محرومند. این روستا مسجد ندارد. در این روستا یک دبستان وجود دارد. که در آن تا کلاس پنجم تدریس می شود. جهادسازندگی برای رفع کمبود امکانات آموزشی این روستا طرح ساختمانی یک

مدرسه راهنمایی را آغاز کرده است. اگر کار ساختمانی این مدرسه پایان پذیرد تا حدود زیادی کمبود امکانات آموزشی این روستا برطرف خواهد شد.

این روستا در مانگا ندارد. روستائیان بیمار مجبورند مسافت ۲۰ کیلومتری فاصله این روستا تا شهر فسا را طی کنند و برای معالجه به فسا بروند. جها مطرح لوله کشی آب این روستا را اجرا کرده است، ولی بخشی از خانه ها هنوز لوله کشی نشده است. ساکنان این خانه ها از نظریه آب در مضیقه هستند. روستائیان بارها به جهاد شکایت کرده اند. مسئولین جهاد در جواب گفته اند که بودجه و امکانات جهاد کم است و در صورت برطرف شدن کمبودها، حتما در این مورد اقدام خواهند کرد.

در این روستا حمام وجود ندارد. روستائیان مجبورند برای شستوی خود به فسا بروند. رفتن آمدن و بچه های روستائیان به فسا، با توجه به طولانی بودن مسیر، با اشکالات زیادی مواجه است. روستائیان از نظر حمام در مضیقه قرار دارند.

با دیدن آغاز کار رهیت هفت نفری و واگذاری زمین ها، به حل معضلات دیگر دهقانان پرداخت. باید با تشکیل تعاونی های مصرف، به کمبودهای مواد غذایی و نارسایی ها در امر توزیع کالاها و مصرفی پایان داد.

رسیدگی به نیازهای دهقانان و وظیفه مقامات مسئول است. بیسه دهقانان نیز زمینداری رسانید.

اخبار هفتگی

نیازهای حیاتی روستائیان بخش عمارلو خرگام

عمارلو خرگام یکی از بخشهای کوهستانی شهرستان رودبار زیتون (گیلان) است و بیش از ۴۰ روستا را دربر میگیرد. مرکز این بخش روستای بره سرد است، که بیش از ۳۵۰ خانوار دارد. فاصله بره سرد تا شهرستان رودبار ۶۰ کیلومتر است و دیگر روستاها به نسبت پراکنده گی شان ۴۵ تا ۹۰ کیلومتر از شهرستان رودبار زیتون فاصله دارند.

جاده ای که این بخش را به شهر رودبار مرتبط می کند، بسیار خطرناک و دارای گردنه ها و پیچهای پر-مخاطره و بسیار باریک است. علاوه بر علت کوهستانی بودن منطقه، این جاده اغلب در زمستانها با ریزش برف مسدود میشود. همین امر و خرابی ساختمان جاده باعث شده که رانندگان این خطه، کرایه حمل و نقل را به میل خود تعیین کنند.

شغل اصلی روستائیان عمارلو خرگام کشت گندم، جو، غنم، باقلا است. گروه کوچکی هم بکار دامپروری اشتغال دارند و بخشی دیگر اهالی در معدن ذغال سنگ لوشان سنگرود (رودبار) بکار مشغولند. کشاورزی در این روستاها با وسایل کهنه از قبیل (خیش) انجام می گیرد و محصول بدست آمده کفاف خرج سه ماهه دهقانان را برآورده نمی سازد، در حالیکه وسعت زمینهای کشاورزی در این منطقه بسیار زیاد است. علت آن است که بذر متناسب با خاک نیست و محصول بسیار کمی عاید کشاورزان می شود. حتی سابقه های گندم بیش از ۳۰ سانت بالاتر نمی رود.

روستائیان، صرف نظر از خوشه گندم، از سابقه آن غذائی برای دامهای خود تهیه می کنند. این زمینها بیشتر برای کشت آبی مناسب است، زیرا بسیاری از این روستاها دارای منابع آب سرشاری است. هم چنین موقعیت زمینها هم به نحوی قرار گرفته، که در صورت برنامه ریزی صحیح و کمک های لازم فنی از طرف دولت، محصول کشاورزان بیش از چندین برابر می شود و در نتیجه هم میزان تولید گندم داخلی بالا می رود و هم کشاورزان از فقر زندگی نجات خواهند یافت.

بعلت کمبود سموم دفع آفات نباتی و کود شیمیائی، هر ساله بخش عظیمی از محصول ناچیز آنها از بین می رود. در نتیجه این عوامل است که مردم در وضع بسیار اسفناگیزی زندگی میکنند.

در اکثر این روستاها منابع آب کافی وجود دارند، در حالیکه اکثریت عظیم روستاها فاقد لوله کشی آب هستند. از طرف دیگر بعلت عدم رعایت بهداشت، آب مصرفی بسیار کثیف است.

بیش از دوسوم این روستاها فاقد حمام هستند و اگر روستائیان حمام دارند، آنهم غیر بهداشتی است. به این دلیل مردم این روستاها از نظر بهداشتی در وضع بسیار بدی قرار دارند، که اکثرا کودکان روستائیان قربانی آن میشوند. بجز روستای بره سرد، که در آن یک بهداشتی با یک پزشک هندی وجود دارد، در دیگر روستاهای این منطقه، خبری از درمانگاه و مراکز پزشکی نیست. در صورتیکه بطور متوسط در هر یک از این روستاها ۱۳۰ خانوار زندگی میکنند.

روستائیان دی کانت و امسامزاده آب می خواهند

دی کانت و امامزاده در حدود ۸۰ کیلومتری شهرستان کازرون واقع شده اند. در این دور روستا بر روی هم ۲۵۰ خانوار زندگی می کنند. زندگی مردم این دور روستا از طریق دامپروری و کشاورزی می گذرد.

در محل واحد بهداشتی وجود دارد، ولی متأسفانه به علت کمبود دارو، در مداوای بیماری روستائیان ناتوان است. مدتی پیش، به دنبال درخواست مکرر اهالی زحمتکش برای تهیه آب آشامیدنی، مسئولین از روستائیان خواسته بودند که اهالی با همیاری خود یک حلقه چاه بزنند و مسئولین هم در تهیه و نصب تلمبه به اهالی کمک کنند.

روستائیان با صرفه جویی در مخارج زندگی خود قبول مشکلات فراوان، یک حلقه چاه احداث کردند، به امید آنکه مقامات مسئول به وظیفه و وعده خود عمل می کنند. متأسفانه تاکنون هیچ گونه اقدامی در این زمینه و نصب تلمبه به عمل نیامده است. اهالی این دو روستا همچنان مجبورند که برای تهیه آب، چندین کیلومتر پیمایند. طی چند روز آب می آورند، که خود عامل بیماری است.

این روستائیان زحمتکش انتظار دارند هر چه زودتر به این خواست ابتدائی آنها توجه شود.

چه کسی به فریادهای کشاورزان ده عباس پاسخ میدهد؟

در ۱۸ کیلومتری جاده ساوه، قریه ده عباس قرار دارد. در این روستا مقدار زیادی زمین وجود دارد، که متعلق به یک فئودال است. تعداد زیادی از کشاورزان این منطقه به خارج از محل میروند و روزمزدی و کارگری می کنند. زمین دار بزرگ و معروف ناحیه تعدادی چاه عمیق دارد که آب آن را به خارج از ده به قرار هر ساعت ۴۰۰ ریال می فروشد. ضمناً "از طرف کشاورزان بحال چندین بار شکایت به عمل آمده است اما چون این شخص در داخل کمیته ها نفوذ دارد، هنوز که هنوز است به شکایت کشاورزان رسیدگی نشده است. دولت انقلاب موظف است که در اجرای این قانون تمام مساعی خود را به کاربرد.

بنابراین گفته امام خمینی، تمام ادارات و نهادهای انقلابی باید از عوامل وابستگان رژیم سابق پاکسازی شوند. بزرگ مالکان و مزدورانشان نیز از همان عوامل هستند. صبر کردن و دست روی دست گذاشتن تنها و تنها به سود ضد انقلاب است.

قانون اصلاحات ارضی تصویب شده است، اما هنوز مالکان، دهقانان را به یاد کتک می گیرند

دهقانان قریه لالهکان برای پس گرفتن زمینهایی که توسط زمین داران بزرگ آن قریه و خرمن (سرمایه معدوم و صاحب بارک خرمن و کارخانه ترقره زبیا) غصب شده بود، قسمتی از زمینها را گرفتند، که مزدوران زمین دار بزرگ، با قمه و جوب و جاق به دهقانان حمله کردند. در این جریان انگشت یکی از دهقانان قطع شد و چند نفر مجروح شدند. اینگونه حوادث، بار دیگر ضرورت اجرای اصلاحات ارضی و کویته نسمودن ایادی مالکان را از روستاها، که برای نگهداری منافع خودشان تن به هر کاری می دهند، گوشزد می کند.

دهقانان بیدارند - از مالکان بیزارند

روستائیان بخش سربند اراک برای حمایت از اقدام انقلابی مجازات فئودالها و نیز حمایت از سپاه پاسداران، روز یکشنبه ۹ شهریور اعلام راهپیمائی کردند. در اعلامیه ای که بدین منظور پخش و منتشر گردید، آمده است: «بدینوسیله ما روستائیان بخش سربند و بخصوص روستائیان زهیرآباد، پشتیبانی یدریغ خود را از عمل انقلابی برادران سپاه پاسداران و کمیسیون ۷ نفری که به دستگیری و اعدام فئودالهای استان مرکزی، بخصوص خان بلوطی اقدام نموده، اعلام میداریم و از تمام روستائیان خواستاریم برای راهپیمائی و اعلام پشتیبانی از هیئت ۷ نفری و سپاه پاسداران بر ضد مالکان هر چه فزوتتر راس ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۹ شهریور در جلوی استانداری بیخ شوند.

روستائیان بخش سربند اراک»



از سوی اعضا و هواداران حزب توده ایران در مشهد، نمایشگاهی با نام «از کودتا تا کودتا» در نقاط مختلف این شهر، از جمله پارک ملت و خیابان دانشگاه برگزار شد. در این نمایشگاه جنایات امپریالیسم آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲، (۱۵ خرداد سال ۴۲، دوران انقلاب و بالاخره حمله نظامی به طیس به معرض نمایش گذاشته شد. این نمایشگاه مورد استقبال گرم اقشار مختلف مردم قرار گرفت.

دهقانان کم زمین و بی زمین!
 باتشکیل کمیته های خود و بانکیه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرپا و بسود شما اجرا شود

«سازمان وحدت آفریقا» را بشناسیم

«سازمان وحدت آفریقا» پس از کوشش های فراوان، در چهارم خرداد ۱۳۴۲ در آدیس آبابا، پایتخت اتیوپی، تاسیس شد. از آن هنگام، روز چهارم خرداد به عنوان «روز آزادی آفریقا» بزرگ داشته می شود.

در کنفرانس اخیر وزیران خارجه سازمان وحدت آفریقا، «زیمبابوه» به عنوان پنجمین کشور، به عضویت سازمان درآمد.

بالاترین ارگان «سازمان وحدت آفریقا»، کنفرانس سالانه سران کشور و دولت کشورهای عضو است، که از هشت سال پیش تاکنون نمايندگان جنبش های آزادیبخش آفریقا نیز در آن شرکت میکنند. شورای وزیران «سازمان وحدت آفریقا» این کنفرانس های سالانه را تدارک می بیند.

«دبیرخانه عمومی» که مقر آن در آدیس آبابا است، در فاصله بین اجلاس های «شورای وزیران» و «کنفرانس سران» فعالیت های «سازمان وحدت آفریقا» را هماهنگ می کند. کمیسیون های گوناگون «سازمان» به مسائل ویژه، از جمله در زمینه اقتصاد و نظامی می پردازند.

سازمان ملل متحد، «سازمان آفریقا» را به عنوان سازمان منطقه ای آفریقا به رسمیت می شناسد. دبیرکل این سازمان از دو سال پیش ادوم کوجواست. «منشور سازمان وحدت آفریقا» هدف های سازمان را تحکیم وحدت و همبستگی کشورهای آفریقا، هماهنگی و تقویت همکاری میان آنها، دفاع از حاکمیت کشورهاینا مبرده و ریشه کنی همه اشکال استعمار و نژادپرستی تعیین می کند. در نظرات که در سال های آینده در راه تشکیل یک «جامعه اقتصادی آفریقا» کوشش به عمل آید.

کشورهای عضو «سازمان وحدت آفریقا» سیاست تجا و زکارانه اسرا ثیبیل را در خاورمیانه محکوم می کنند و رعایت اکتد اقدامات تحریم آمیز سازمان ملل متحد را در برابر آفریقا جنونی خواستارند. «سازمان وحدت آفریقا» «علیرغم تضادها و مسائل درونی آن، که از ساختارهای گوناگون سیاسی، اقتصاد و اجتماعی کشورهای عضو سرچشمه می گیرد، در سال های گذشته به وزنه چشمگیری در صحنه سیاست بین المللی سازمان ملل متحد مبدل شده است.

چپ نماها در همه جا از یک سرچشمه آب میخورند و یک سیاست را دنبال میکنند - سیاست امپریالیسم

نیکو و شرافندانه طبقه کارگر، که بوسیله حزب کمونیست، طی فعالیت شصت و یک ساله آن حفظ شده است، توجیه کنند.

گس هال دبیرکل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا در بیانیه خود خاطرنشان میکند:

«تردیدی نیست که برخی از این گروهها بوسیله اداره مرکزی جاسوسی آمریکا، با هدف لطمه زدن ایجاد تفاهت در سازمانهای اتحادیه ای و اجتماعی ایجاد شده اند. به احتمال قوی میتوان گفت که بخشی از اعتبارات مالی این گروهها از طرف پلیس تامین میشود. طی ماههای اخیر، گزارشگران و مفسران رادیو و تلویزیون بعد تلاشهای زیادی بکار می رند، تا عناصر اوپاوش وابسته به این گروهها را مانده شخصیت های سیاسی اعضای حزب کمونیست» معرفی کنند. در بیانیه گفته میشود: «ما تاکید میکنیم که هرگونه استنادی به این عناصر، بمثابة «عضو حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا» تحریف صریح واقعیت است و از جانب حزب کمونیست مانند یک اتهام آشکار تلقی خواهد شد.»

گس هال، دبیرکل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، تلاشهایی را که بکار برده میشود، تا بوسیله که شده، به وجهه و حیثیت حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا لطمه وارد آید و در نظر اهالی آمریکا بدنام و بی اعتبار شود، مورد انتقاد شدید قرار داد و محکوم کرد.

در بیانیه ای که از جانب گس هال، دبیرکل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، انتشار یافته، به توطئه های محافل تبلیغاتی بورژوازی که تلاش دارند فعالیت گردان پیشاهنگ پروتاریستی ایالات متحده آمریکا را با اقدامات ماجراجویانه سازمانهای چپ گرا و چپ سنا یسکان جلوه دهند، پاسخ دندان شکن داده شده است.

در این بیانیه آمده است: «در کشور ما چند گروه کوچک وجود دارد، که حتی خود را سازمانهای «کمونیستی» مینامند. من لازم میدانم که با صراحت و بطور مشخص اعلام کنم که این گروهها کوچکترین ارتباطی با حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا ندارند. این گروهها انگلهای سیاسی هستند که تلاش دارند موجودیت خود را به حسابستن

سی و پنجمین سالگرد اعلام استقلال ویتنام با شکوه فراوان در سرتاسر کشور برگزار شد

به مناسبت در هائوی اجتماع بزرگی برپا شد که در آن لدوان، رهبر حزب کمونیست، فم وان دونگ نخست وزیر و دیگر رهبران حزبی و دولتی جمهوری سوسیالیستی ویتنام شرکت داشتند. فم وان دونگ در این اجتماع سخنرانی کرد و طی آن از اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بخاطر کمک به مبارزه مردم قهرمان ویتنام در راه آزادی و استقلال و مبارزه با امپریالیسم آمریکا و توسعه طلبان پکن سپاسگزاری کرد.

نخست وزیر ویتنام گفت که اتحاد و همبستگی بیکار جوینده خلقهای ویتنام، کامبوجیا و لائوس برای حفظ ثبات آسیای جنوب شرقی و مبارزه علیه توطئه های امپریالیسم و برتری طلبان پکن اهمیت اساسی دارد. از سوی دیگر لئونیدز برنزف و آلکسی کاسیگین، رهبران اتحاد شوروی، پیامی بمناسبت روز استقلال ویتنام برای رهبران این کشور ارسال داشتند.

رهبران اتحاد شوروی در این پیام اعلام کردند که مردم شوروی در آینده نیز مانند گذشته از مبارزه مردم قهرمان ویتنام برای ایجاد جامعه سوسیالیستی و دفاع از حاکمیت و استقلال خود حمایت خواهند کرد.

رهبران اتحاد شوروی یادآور شدند که سیاست ویتنام به تحکیم پایه های صلح و علیه توطئه امپریالیست ها و دستیاران آن، برتری جوین پکن متوجه است و همبستگی ویتنام، لائوس و کامبوجیا عامل مهم تثبیت اوضاع جنوب شرقی آسیاست.

ژاپن هم پاکستان را مسلح میکند

وزیر خارجه ژاپن، در جریان دیدار خود از پاکستان، از چند باسلاخ اردوگاه آوارگان افغانی و یا به عبارت دیگر از چند پایگاه عملیاتی باند های افغانی دیدن کرد. وزیر خارجه ژاپن در جریان این دیدار اعلام کرد که ژاپن کماکان از «مبارزان افغانی» حمایت خواهد کرد. وی اعلام کرد که ژاپن ۷۵ میلیون دلار به پاکستان کمک خواهد کرد. بیشتر این کمک به خرید سلاح برای پاکستان و باند های افغانی اختصاص می یابد.

همکاری نظامی آمریکا و چین گسترش می یابد

همکاریهای نظامی امپریالیسم آمریکا و مانوئیست های پکن هرچه بیشتر گسترش می یابد و اکنون پکن در استراتژی جهانی آمریکا مقام مهمی احراز کرده است. در واشنگتن اعلام شد که ویلیام پری، کارشناس برجسته پنتاگون در زمینه سلاحهای مدرن، اواخر ماه جاری بدعوت مقام های چینی از این کشور دیدن خواهد کرد.

بری اعلام کرد که در این سفر از لابراتوارهای الکترونیک و میدان های آزمایش سلاحهای مختلف دیدن خواهد کرد. بری همچنین قابلیت و کارائی چینی ها را در «جذب» تکنولوژی مدرن آمریکا، از جمله تکنولوژی نظامی این کشور، مورد بررسی قرار میدهد. در ماه های اخیر مقام های برجسته آمریکا و چین ضمن دیدار از کشورهای یکدیگر، در زمینه همکاری های نظامی دو کشور مذاکرات مهمی انجام دادند.

در جهان سوسیالیسم

ابتکارات جوانان و کودکان کوبا به افتخار کنگره حزب کمونیست آن کشور

در این روزها سازمانهای توده ای جوانان و کودکان کوبا برنامهای ویژه ای را، که در جریان تدارک دومین کنگره حزب کمونیست کوبا برای خود تعیین کرده اند، جامعه عمل می پوشانند. مدها هزار عضو فدراسیون جوانان کمونیست، فدراسیونهای دانشجویان و دانش آموزان سازمان پیشاهنگی «خوزه مارتی»، چه در کارخانه ها و روستاها و چه در اردوهای تعطیلات، با بنیای شرکت در کارزار سازندگی، به مطالعه رهنمودهای گسترش اقتصادی - اجتماعی کوبا تا سال ۱۳۶۴ می پردازند و برای تحکیم مبین سوسیالیستی پیشتهای دهی ابتکار آمیزی ارائه میدارند. برای نمونه، سه بیست و هشت نفر از دانشجوی دانشگاه ها و انستیتو متفیل شدند که سر هفته به برداشت محصول کمک کنند.

برنامه تدارک کنگره حزب سازمانهای جوانان، که در حدود چها رماه دیگر در هائوای برگزار خواهد شد، همچنین مطالعه آثار کلاسیک های مارکسیسم - لنینیسم را دربر میگیرد.

در جهان سرمایه داری

کمک بی دریغ کشورهای امپریالیستی به رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی

در روزهای گذشته، نژادپرستان آفریقای جنوبی با تشدید سرکوبگری داخلی و تجا و زخارجی، با ردیگر، علیرغم میل خود، بخشی از اخبار و تفسیرهای رسانه های گروهی را بخود اختصاص داده اند. در این زمینه نباید مسئولیت کشورهای امپریالیستی را از یاد برد که، با نشن مویات بین المللی و بخلاف برخی اظهارات «فدناژادی» خود نیز، با همکاری و تظا به نژادپرستان آفریقای جنوبی و کمک به آنها، اینبارهم سرشت ریاکارانه خود را بشور رسانیده اند. بنوشته خود رسوا گران «فا ینشال - تا یمز» (۱۳۵۹):

«بموجب آخرین گزارشها، صادرات بریتانیا نیای کبیر به آفریقای جنوبی اینک رونقی یافته است که، با توجه به رونق اقتصاد آفریقای جنوبی، محتملا در سال آینده نیز ادامه خواهد یافت. در پنج ماه نخست سال (میلادی) جاری، این صادرات ۳۳ درصد افزایش یافت و به ۳۶۵ میلیون پوند استرلینگ رسید. محافل رسمی با زرگان نی معتقدند که در مقایسه با رقم ۷۱۳/۵ میلیون پوند استرلینگ ۱۹۷۹ - بیکره نامبرده میتوان ندرسال ۱۹۸۰ به یک میلیار دپوند استرلینگ برسد. با زار آفریقای جنوبی، علیرغم حساسیت سیاسی خود، و بویژه بخاطر آهنگ رشد چشمگیر در دوران رکود جهانی، از جاذبه ای فزاینده برخوردار است.

بگزارش مقامات آفریقای جنوبی، صادرات آن کشور از بریتانیا کبیر در سال ۱۹۷۹، ۲۰ درصد فزایش یافت و به ۶۹۰ میلیون پوند رسید (این رقم صادرات ششمی است، طلا، نفت و اقلام نظامی را دربر نمیگیرد). تنها، ایالات متحده آمریکا نواست با افزایش ۲۵ درصدی صادراتش به مبلغ ۶۸۵ میلیون پوند، از بریتانیا برتری گیرد.

بدین ترتیب، این دو کشور با فاصله زیاد، افزایش و صادرات آفریقای جنوبی را به مقدار ۱۲ درصد، تا مین کرده اند. آلمان غربی با ۲۲۳ میلیون پوند استرلینگ مهم ترین ما درکننده کالا به آفریقای جنوبی است، اما سهم آن از ۲۵/۴ به ۱۸/۷ درصد کاهش یافته است. چنانچه مجموع صادرات و واردات را در نظر بگیریم، مهم ترین شرکای بازرگانی آفریقای جنوبی، به ترتیب عبارتند از: ایالات متحده آمریکا، آلمان غربی و بریتانیا کبیر.

مداخل اجتماعی هند دخالت پاکستان در افغانستان را محکوم میکنند

اجتماع بزرگی در دهلی نو، با شرکت محافل اجتماعی هند، بعنوان اعتراض به مداخله رژیم دستنشانده پاکستان در امور افغانستان تشکیل شد. سازمان دهندگان این اجتماع طرفداران خان عبدالغفار خان، رهبر پشترها بودند. سخنرانان در این اجتماع اعلام کردند که ضیاع الحق دیکتاتور مزدور پاکستان، در مقابل «حق و حساب» خالک پاکستان را برای عملیات تجاوزکارانه در اختیار آمریکا و چین قرار داده است. در این اجتماع خواسته شد که هرچه زودتر مزدوران افغانی از پاکستان اخراج شوند و تاکید شد که ضیاع الحق بدستور ارباب خود آمریکا به باسلاخ مسئله افغانستان دامن میزند.

رویدادهای جهان

مستشاران آمریکائی عملیات ارتش مزدوران السالوادور را رهبری می کنند

کنگره قهرمانان ملج با نام اعلام کرد که مدها تن از نظامیان السالوادور دریا یگا های آمریکا در منطقه کانال پاناما آموزش می بینند. این اقدام تنها قسمتی از حمایت نظامی آمریکا از ارتش رودسته نظامی حاکم بر السالوادور است. امپریالیسم آمریکا هم اکنون مدها «مستشار» نظامی در السالوادور دارد. این مستشاران رهبری عملیات ارتش مزدور السالوادور را در سرکوب خلق مبارز این کشور بعهده دارند. از سوی دیگر آمریکا در سال جاری میلیونها دلار کمک نظامی در اختیار رژیم السالوادور قرار داده است.

تجاوز نژادپرستان آفریقای جنوبی به کشورهای همسایه همچنان ادامه دارد

وزیر دفاع آنگولا اعلام کرد که هواپیما های نظامی آفریقای جنوبی یکی از شهرهای این کشور را با ریدر بمباران کرده اند.

وزیر دفاع آنگولا اضافه کرد که نژادپرستان از خاک نامی بیا، که بطور غیر - قانونی اشغال کرده اند، بعنوان پایگاهی برای حمله به آنگولا استفاده می کنند. وزیر دفاع آنگولا گفت که با دیدن دفع تجاوزات نژادپرستان آما دگی لازم را حفظ کرد.

آمریکا برای مداخله نظامی در نیکاراگوئه پی بهانه می گردد

وزیر خارجه نیکاراگوئه اعلام کرد که آمریکا درصدد یافتن بهانه برای مداخله در امور داخلی این کشور است. وی گفت که آمریکا اکنون سروصدا برآه انداخته است که گویا نفوذ کوبا در نیکاراگوئه روبه افزایش است.

وزیر خارجه نیکاراگوئه تاکید کرد که کوبا و دیگر کشورهای سوسیالیستی برابری کامل، احترام به حق حاکمیت کشورها و عدم مداخله را در روابط با نیکاراگوئه کاملاً رعایت می کنند و این سروصداها بوج و بی اساس است.

وزیر خارجه نیکاراگوئه از سوی دیگر گفت که در پی سرنگون شدن رژیم دیکتاتوری سوموزا، پیشرفت های چشمگیری بویژه در زمینه مبارزه با بیسوادی بدست آمده و مهم ترین وظیفه دولت انقلابی بازسازی و پیشبرد اقتصاد است.

پاکستان با ارسال اسلحه و خرابکار به هند، به اختلافات فرقه ای در این کشور دامن میزند

به گزارش مطبوعات هند، گارد مرزی این کشور، در افزایش فعالیت تحریک آمیز رژیم دستنشانده پاکستان و بویژه ارسال اسلحه برای گروههای مسلمان نما در هند، تدابیر امنیتی را در مرز پاکستان افزایش داده است. رژیم پاکستان تلاش دارد که با کبیل داشتن خرابکار و سلاح به هند، به اختلافات فرقه ای در این کشور دامن زند، تا توجه مردم پاکستان را از مشکلات توانفرسای داخلی منحرف سازد. از سوی دیگر مطبوعات هند اعلام کرده اند که خرابکاران بوسیله پاکستان، در پایگاههای که مخفیانه با کمک چین ایجاد شده، تربیت میشوند.

کلیسای کاتولیک السالوادور از کارتر خواست که از مداخله در امور داخلی این کشور خودداری کند

رهبری کلیسای کاتولیک السالوادور بار دیگر از کارتر خواست که از مداخله در امور داخلی السالوادور و کمک به دارر دسته نظامی این کشور در سرکوب مردم خودداری کند.

رهبری کلیسای السالوادور اعلام کرد که آمریکا مستقیماً در سرکوب مردم دست دارد و تنها در هفته گذشته سیصد تن از مردم بیگناه بر اثر عملیات نیروهای ارتش و دسته های تروریستی دستر استی، که از حمایت آمریکا برخوردارند، کشته شده اند.

از سوی دیگر نیروهای مبارز چپ در جنگ با مزدوران ارتشی پیروزیهای تازه ای بدست آورده اند. نیروهای چپ با حمایت وسیع توده های محروم، در یکماه اخیر، ضربات قاطعی به مزدوران ارتشی وارد کرده و در یک درگیری هفت هلیکوپتر تودار را سرنگون ساخته اند.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت ها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلان و محترانست

آماده‌اند از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنند، تشکیل گردد

پرشی - کانونهای بحران داخلی کدامند؟
پاسخ - بطور کلی میدان عمده رشد بحران در داخل کشور را باید در زمینه رشد سرخوردگی مردم از انقلاب جستجو کرد.

توده‌های وسیع ده‌ها میلیون‌مردم، که در انقلاب شرکت کردند و تاپای جان برای پیروزی آن مبارزه کردند، انتظار داشتند که با پیروزی انقلاب زنجیرهای بردگی و اسارت و تحقیر و محرومیت، که به وسیله رژیم دست‌نشانده و وابسته طاغوت پرست روی آنان بسته شده بود، پاره شود.

درست است که انقلاب با دستاوردهای درخشان خود ضربات سختی به سلطه امپریالیسم و غارتگری هیئت حاکمه طاغوتی وابسته به آن وارد ساخته، ولی در بخش رفیع محرومیت‌های مادی در زندگی روزمره توده‌های ده‌ها میلیون مستضعف و محروم، هنوز دستاورد چشمگیر و محسوس نداشتند است. شور انقلابی مردم و اعتماد آنان به رهبری امام خمینی آفتاب نیرومند بوده و هست که، علیرغم این کمبودها و با اینکه ناخشنودیشان هر روز شدت می‌یابد، هنوز این ناخشنودیها به سرخوردگی از انقلاب مبدل نشده است. ولی بدون تردید در این زمینه خطر جدی انقلاب را تهدید میکند.

بطور کلی ۳ نوع محرومیت در کشور ما می‌تواند موجب ایجاد بحران گردد:

یکی محرومیت‌های مادی توده‌های زحمتکش و حقوق‌بگیران، که تقریباً بیش از ۸۰ درصد مردم سراسر کشور را دربر می‌گیرد.

گرانی روزافزون مایحتاج روزمره، که با تشدید غارتگری سرمایه‌داران بخش تهیه و توزیع کالاهای مصرفی توأم است، همه را زیر فشار میکندارد. همه می‌بینند که سرمایه‌داران ودلالتان هر روز چاق و چاق‌تر میشوند و قدرت خرید زحمتکشان هر روز کم و کمتر.

دومین محرومیت در زمینه مسائل ملی و مذهبی است. اقلیت‌های ملی کرده، آذربایجانی، بلوچ، ترکمن و عرب در دوران طاغوت، علاوه بر تحمل همه محرومیت‌های عموم خلق، در زمینه فرهنگی و اداری هم محرومیت‌های اضافی تحمل کرده و بشدت تحقیر میشده‌اند.

مابینیم که امروز حتی در کشور سرمایه‌داری رشد یافته‌ای مانند بلژیک، این اختلافات قومی، زبانی و ملی، بین فرانسه زبانها و فلامانها، به یک کره بزرگ سیاست داخلی مبدل میگردد. عدم توجه به این زمینه رشد بحران میتواند برای جمهوری اسلامی بسیار گران تمام شود.

سومین محرومیت، که اکنون به زمینه رشد جدی بحران تبدیل شده، محرومیت‌های ناشی از فشار تشریف‌مندی است به قشر وسیعی از کارگران و روشنفکران و دانشجویان و جوانان.

این فشار که در موارد زیادی، یا توسط به هر گونه ماجراجویی، هر روز بیشتر میشود، قشر قابل توجهی از زحمتکشان یدی و فکری، کارگران، استادان، دبیران، آموزگاران، مدیران، پزشکان، مهندسان، پرستاران و کارمندان صدیق دولت و جوانان و دانشجویان را، که اکثریت مطلقشان سادقانه و صمیمانه از انقلاب شکوهمند ایران پشتیبانی می‌کنند، به شهروندان درجه دوم، به محرومان جامعه مبدل ساخته است.

ستاد اصلی هدایت بحران در کجاست؟
ستاد اصلی بهره‌گیری از همه این زمینه‌های بحران، همان مرکز پنهانی ضدانقلاب ایران است.

ضدانقلاب ایران دارای نیروهای اصلی، نیروهای ذخیره مستقیم و نیروهای ذخیره غیرمستقیم است.

نیروهای اصلی ضدانقلاب راسرمايه‌داران وابسته، و بویژه گروه وابسته به خلق مسلمان، ساواکیها و افسران سرسپرده، خانواده‌ها و بستگان تیرباران‌شدگان، روحانیت مرتجع هوادار رژیم طاغوت و بزرگ مالکان تشکیل میدهند. این ستاد مستقیماً با ضدانقلاب در خارج از کشور، که ۳ هسته رهبری آن خاندان پهلوی به رهبری اشرف، بختیار و اویسی است، ارتباط دارد.

ضدانقلاب ایران سازمان یافته و این سازمان پنهانی بوسیله مأمورین مسیاه مستقیماً رهبری میشود. این هسته مرکزی، برهبری «مساه» از نزدیکترین همکاری مأموران سازمانهای جاسوسی کشورهای غربی و عربی و سایر کشورهای وابسته به امپریالیسم برخوردار است. بویژه فعالیت شبکه بسیار وسیع و پر قدرت ایتلیج‌سروسس انگلستان در این زمینه بزرگترین یار رهبری آمریکائی ضدانقلاب است.

نیروهای ذخیره مستقیم عبارتند از وابستگان، پخش‌کنندگان مواد مخدر، دلالتان، بلای‌بگیران، ولگردان حرفه‌ای، دزدان و قاچاقچی‌ها.

ذخیره غیرمستقیم عبارتند از همه وابستگان به اشرار مرفه، که منافع خود را در خطر می‌بینند، سرمایه‌داری لیبرال، که از ته دل خواستار تغییر و تثبیت وضع به سود سرمایه‌داری است، و همچنین گروههای ماجراجو و حادثه‌جو، چپ‌نمایان غیرمذهبی و مذهبی، افراطی‌های فتری راست مذهبی.

این ستاد با مهابت میکوشد که آن نیروهای وسیع ناخشنودان را، که در ۳ گروه در بخش اول یادآوری شده، در راهی که میخواهد بیندازد و علیه جمهوری اسلامی تجزیه کند.

ستاد رهبری بحران‌های داخلی از کدام منابع خارجی پشتیبانی می‌شود؟

همانطور که گفته شد، ضدانقلاب ایران بوسیله جبهه متحد دشمنان انقلاب ایران، که به سرکردگی آمریکا، همه کشورهای امپریالیستی، رژیمهای ارتجاعی جهان و بویژه حکومت‌های ارتجاعی و وابسته منطقه کشور ما را دربر می‌گیرد، پشتیبانی میشود. ایالات متحده آمریکا، کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته اروپای غربی، ژاپن، استرالیا، آفریقای جنوبی، اسرائیل، مصر، عراق، عمان، عربستان سعودی، ترکیه، پاکستان و امارات خلیج در صف مقدم این جبهه قرار گرفته‌اند و سایر کشورهای ارتجاعی و وابسته در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین از این جبهه هم‌جانبه پشتیبانی میکنند.

کلیسای کاتولیک، بهره‌بردار پاپ، فلالانه از گردانندگان این جبهه است. محافل مذهبی ارتجاعی، متضدای اعظم کشورهای عربی وابسته به امپریالیسم با تمام نیر از این جبهه پشتیبانی می‌کنند.

چین با سیاست مزروانه و دورویانه‌اش، متحد سرسخت و پیگیر امپریالیسم در همه توطئه‌هایش علیه انقلاب ایران است.

عملیات زمینه‌سازی داخلی برای ایجاد بحران کدامند؟

در یادداشت برژنسکی به ونس، با کمال دقت خطوط اساسی این اقدامات زمینه‌سازی برای تشدید بحران داخلی و منزوی ساختن ایران، در صحنه جهانی ترسیم شده است. در زمینه داخلی، امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب در جهات زیرین عمل کرده و میکنند:

الف - بجان هم انداختن نیروهای هوادار انقلاب و مشغول ساختن آنها به مسائل درجه دوم از راه تحریک از «چپ» و از راست،

ب - ایجاد هر چه وسیع‌تر تشنج اجتماعی از راه دامن زدن و سازمان دادن اقدامات غیرقانونی و اعمال زور، تا تجزیه‌باندان، چاقو کشی و چاقو دار و تروریست، بطور عمده زیر پرچم «اسلام»، و شعله‌ور ساختن برخوردهای خونین داخلی از راههای گوناگون،

ج - ناراضی ساختن اقشار وسیع مردم بویژه اقشاریکه بطور کلی هوادار انقلاب بوده‌اند، از راه اعمال فشارهای رنگارنگ، با استفاده از ظواهر «اسلامی»، مانند جنجالی که در پی رهنمود امام دهمورد پاکستانی دستگاه طاغوتی دولتی در مورد محجابه اسلامی، براه افتاد.

د - تشدید همه‌جانبه بحران در اقتصاد کشور از راست و از چپ، از راست، سرمایه‌داران وابسته و گردانندگان بازار داخلی با ایجاد کمبودهای مصنوعی و بالابردن قیمت‌ها، جلوگیری از برافزایش چرخهای صنعتی با کمک عمال ضدانقلاب در دستگاه دولتی، و از چپ، بوسیله تحریک کارگران به اعتصاب، کم‌کاری، بدست چپ‌نماهای آمریکائی و خرابکاری بدست عناصر ضدانقلاب، مانند ایجاد انفجارها در تاسیسات نفت و آتش‌زدن.

بطور خلاصه زمینه‌سازی داخلی را باید در میدان‌های زیر جستجو کرد:

- ایجاد اختلاف و چنددستگی در میان نیروهای هوادار انقلاب ایران در تمام سطوح، تا حد تشدید اختلاف میان مجلس و رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر،

- ایجاد تشنج در جامعه، با استفاده از انواع بانه‌ها و بویژه بانه‌های بطلان اسلامی (اشغال دفاتر سازمانهای سیاسی) و تشویق زده‌خوردهای داخلی،

- ایجاد و تشدید بحران اقتصادی از راه فلج کردن اقتصاد داخلی و تخریب مناسبات اقتصادی ایران در صحنه جهانی،

- ایجاد نارضایتی در مردم از راه تشدید مصنوعی دشواریهای زندگی و تشدید فشارهای روحی و اخلاقی و فرهنگی،

- تشدید اختلافات میان اقلیت‌های ملی و حکومت مرکزی از راه ایجاد دشواری در حل مسائل اجتماعی و دامن زدن به اختلافات مذهبی و قومی (کردستان، عشایر فارس، بلوچستان، خوزستان...)،

- تحریک و ایجاد مصنوعی اختلافات فاسد و آذربایجانی، چه از راه بهره‌گیری از عناصر مربوط به اعتقادات مذهبی (جمهوری خلق مسلمان و آیت‌الله شریعت‌مداری) و چه از راه بهره‌گیری از عناصر ملی و فرهنگی (زبان، فرهنگ، موسیقی)،

- جلوگیری از تثبیت و تحکیم انقلاب ایران با بهره‌گیری از همه عوامل بالا، با اضافه بکار انداختن همه عوامل و مزدوران و سرسپردگان و فریب‌خوردگان برای ایجاد تشنج، از برخوردهای خیابانی گرفته تا جنگ‌های خونین برادر کشی در کردستان، از اقدامات تروریستی گروه فرقان و گروه‌های نظیر آن گرفته، تا تدارک شورش حزب خلق مسلمان در تبریز...

عملیات زمینه‌سازی خارجی برای ایجاد بحران کدامند؟

بهترین رهنمود را برای میساختن زمینه‌های خارجی بحران برای انقلاب ایران، برژنسکی از طرف کارتر به وزیر خارجه سابق ایالات متحده ابلاغ کرده است. چکیده این رهنمود اینست که: باید با تشدید هر چه وسیع‌تر جو سوء ظن بین ایران و «همسایگان» (البته قابل فهم است که کدام «همسایگان» منظور کارتر و برژنسکی است)، انقلاب ایران را منزوی ساخت. آمریکاهمکارگری

دوستان و همکاران جهانی‌اش در زمینه تلاش برای وارد ساختن فشار سیاسی و اقتصادی به انقلاب ایران مطمئن بوده و هست و میدانند که حتی در ماجراهایش برای تدارک و انجام کودتا از حمایت سیاسی نظامی و اقتصادی اروپای غربی، ژاپن و چین و استرالیا و حکومت‌های ارتجاعی، از اسرائیل گرفته تا آفریقای جنوبی و شیلی و مصر و عربستان سعودی و پاکستان و عراق و عمان و ترکیه و امارات خلیج میتواند کاملاً برخوردار باشد. ایالات متحده بهمین اندازه هم اطمینان دارد که کشورهای سوسیالیستی و کشورهای مستقل مانند هندوستان، کشورهای عربی جبهه پایداری و سایر کشورهای مستقل دیگر در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین، علیرغم همه فشارها و دسائس آمریکا، از حمایت از انقلاب ایران نه تنها دست‌برنخواهند داشت، بلکه بر پشتیبانی خویش خواهند افزود. بهمین دلیل هم عمده تلاش ایالات متحده در سیاست جهانی، در زمینه منزوی کردن انقلاب ایران، در جهت تیره کردن روابط ایران با اتحاد شوروی و از این راه با سایر کشورهای سوسیالیستی و با آن کشورهای غیرسوسیالیستی است که سیاست مستقل ملی دارند و بر پایه آن مناسبات دوستانه خود را با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی گسترش میدهند.

این جملات از یادداشت برژنسکی به ونس، از سندی که آقای رئیس‌جمهور افشاء کرده، به اندازه کافی گویا است:

«رئیس‌جمهور معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی خصوصاً توسط اتحاد جماهیر شوروی حتماً به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد.»

ببینیم در دوران پیش از یکسالی که از نوشته شدن این نامه میگذرد، چه کسانی از سیاستمداران ایران در انجام این توصیه، چه خدمات گرانبایی به امپریالیسم آمریکا کرده و چه زیانهای غیرقابل جبران به انقلاب ایران وارد ساخته‌اند.

جلوگیری از گسترش همه‌جانبه مناسبات سیاسی و اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و اقدامات تحریک آمیز وزارت خارجه ایران، بویژه در دوران تشدید حملات اشکار تجاوزکارانه آمریکا به ایران در چندماه اخیر و کوشش در راه تیره کردن مناسبات با اتحاد شوروی تا حد پاره شدن این مناسبات، باید اقداماتی آگاهانه در جهت انجام دستورات برژنسکی ارزیابی کرد.

جانب توجه است که هنوز افکار عمومی ایران از مذاکرات هیئت نمایندگی ایران (بازرگان - زیدی - چمران) با برژنسکی در الجزیره، کوچکترین اطلاعی ندارد. هنوز مردم ایران اطلاع ندارند که نامه کذافی کارتر به امام خمینی، که توطئه‌های علیه انقلاب ایران بود، توسط چه دست‌نمایان در تهران تنظیم شده است. هنوز مردم ایران اطلاع ندارند که از جانب عناصر معین، چه تلاش‌هایی انجام گرفت، تا زنجیر وابستگی به ائتلاف ناقص آمریکا - چین - پاکستان را علیه افغانستان، که مانند ایران هدف توطئه تجاوزکارانه جهانشمول امپریالیسم آمریکاست، به دست و پای انقلاب ایران ببندند و دولت ایران را در این جبهه مشغول کنند و عملاً راه را برای تجاوز بر دغدغه امپریالیسم علیه انقلاب ایران هموار سازند.

بطور خلاصه زمینه‌سازی خارجی برای تشدید بحران را باید در نکات زیر دید:

- فشار آمریکا به دستیارانش برای تشدید محاصره اقتصادی، عدم خرید نفت، عدم فروش کالاهای ضروری و بالتوجه شکستن مقاومت اقتصادی و توان مالی ایران. توقیف داراییهای ایران هم بخشی از این نقشه بوده است.

- تبلیغات وسیع گمراه‌کننده در سراسر جهان امپریالیستی و امپریالیسم زده علیه انقلاب ایران، برای آماده کردن افکار عمومی نسبت به تجاوزات و توطئه‌های علیه جمهوری اسلامی ایران.

- قطع مناسبات ایران با افغانستان تا حد بسته شدن سرحدات بین دو کشور، بهره‌گیری از روی دادهای افغانستان برای تیره کردن مناسبات ایران با اتحاد شوروی، یعنی تنها همسایه‌ای که در تمام زمینه‌ها برای پشتیبانی از انقلاب ایران آمادگی نشان داده است.

با کمال تأسف باید پذیرفت که حتی بخش قابل توجهی از مبارزان انقلابی مین ما در این دام خطرناک امپریالیسم آمریکا افتاده‌اند و با پختن انواع لاف‌افلات ساخته و پرداخته عوامل امپریالیسم آمریکا، با پختن انواع دروغ‌های ساخته و پرداخته خبرگزارهای کذافی امپریالیستی آمریکا و انگلیس و فرانسه و غیره، آب به آسیاب زهر آلود دشمنان انقلاب ایران ریخته‌اند و هر روز می‌ریزند.

در همین حال، بی‌سی خوشوقتی است که ایسن توطئه خطرناک، که از طرف «ان بزرگ» طرح و بدست عناصر و محافل معین میگردد، پس از حادثه تجاوز آمریکا در طیس و پس از کودتای نافرجام ۱۸ تیرماه و با دادن ماهیت بسیاری از گروه‌های افغانی و یک رشته عوامل دیگر، برای بخش قابل توجهی از مسئولان درجه اول جمهوری اسلامی هر روز روشنتر میگردد.

چگونه میتوان از گسترش دامنه بحران جلوگیری کرد و به آن پایان بخشید؟
در این زمینه باید:

- خطر بزرگی را که انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را تهدید میکند، یعنی سرخوردگی مردم از انقلاب و تشنج اجتماعی، را به عنوان مسئله اصلی و اساسی بحران در نظر بگیریم. این سرخوردگی و تشنج اجتماعی، که در واقع سرخوردگی مردم از نظام استبداد طاغوتی و تشنج اجتماعی است، باید در جهت رفع آن با تمام توان مبارزه کنیم. مبارزه با سرخوردگی و تشنج اجتماعی، باید در جهت رفع آن با تمام توان مبارزه کنیم. مبارزه با سرخوردگی و تشنج اجتماعی، باید در جهت رفع آن با تمام توان مبارزه کنیم.

چگونه میتوان از گسترش دامنه بحران جلوگیری کرد و به آن پایان بخشید؟
در این زمینه باید:

- خطر بزرگی را که انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را تهدید میکند، یعنی سرخوردگی مردم از انقلاب و تشنج اجتماعی، را به عنوان مسئله اصلی و اساسی بحران در نظر بگیریم. این سرخوردگی و تشنج اجتماعی، که در واقع سرخوردگی مردم از نظام استبداد طاغوتی و تشنج اجتماعی است، باید در جهت رفع آن با تمام توان مبارزه کنیم. مبارزه با سرخوردگی و تشنج اجتماعی، باید در جهت رفع آن با تمام توان مبارزه کنیم.

را بلاواسطه تهدید میکند، در تمام ابعاد شناخت. امپریالیسم آمریکا و متحدانش نیروهای عظیمی را در مجاورت ایران متمرکز ساخته‌اند. جبهه این نیروی متجاوز از نقطه مشترک مرزی افغانستان و پاکستان و ایران، یعنی در نزدیکی زاهدان در شرق آغاز میشود، و به نقطه مشترک مرزی ترکیه و ایران و اتحاد شوروی در شمال غربی پایان می‌پذیرد.

امپریالیسم، جمهوری اسلامی ایران را در سراسر این جبهه، از زمین و دریا و هوا، تهدید میکند. نیروهای که قرار است مستقیماً عمل تجاوز را انجام دهند، مخلوطی است از ضدانقلابیون ایرانی و مزدوران اسرائیلی و پاکستانی و بلوچ و کرد و ترک غیر ایرانی.

نیروهای متمرکز امپریالیسم آمریکا، که در روی ده‌ها کشتی جنگی و ده‌ها پایگاه در مجاورت ایران جای گرفته‌اند، با کمک نیروهای پاکستان، عراق و ترکیه و عربستان سعودی از این تجاوز آشکار پشتیبانی خواهند کرد.

در درون ایران، همانطور که کشف توطئه کودتای ۱۸ تیر نشان داد، ضدانقلاب سازمان یافته ابعاد خطرناکی پیدا کرده است. در مناطق سرحدی ایران، گروه‌های خائن خانهای عشایر در فارس، کردستان، بلوچستان و دسته‌های ماجراجوی چپ‌نما، مانند کومه و گروه قاسملو با امپریالیسم همکاری می‌کنند.

در درون جامعه ایران تلاش‌های امپریالیسم و ضدانقلاب برای ایجاد محیط پرتشنج و ایجاد خصومت‌های مصنوعی و دامن زدن به اختلافات به حد اعلا رسیده است. واقعیت اینست که مأموران ساواک و ضدانقلاب با ماسک «اسلامی» از بالاترین آزادی برای دامن زدن به تشنج و تشدید عدم رضایت مردم برخوردارند، در حالیکه جریانات سیاسی هوادار و وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به تشدیدترین شکل مورد حمله این گروه‌های ضدانقلابی قرار دارند.

- برای جلوگیری از گسترش بحران در داخل کشور، باید به این وضع پایان داد. باید به تشنج‌جات پایان داد و کانونهای ایجاد تشنج را نابود ساخت.

- پیشنهاد میشود که یک کنفرانس نظام ملی از همه نیروهای که آماده‌اند از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نه در حرف، بلکه در عمل و تا پای جان دفاع کنند، تشکیل گردد و یک برنامه تجهیز همه نیروها و امکانات در زمینه بالابردن قدرت مقاومت ملی، در زمینه اقتصادی، فرهنگی و دفاعی، بر پایه اتحاد بزرگ ملی، بر پایه خط امام خمینی و زیر رهبری امام خمینی، بر پایه تفاهم کامل بین نهادهای اصلی جمهوری اسلامی، یعنی ۳ قوه اصلی قانونگذاری، قضائی و اجرائی، بر پایه تفاهم متقابل مجلس شورای اسلامی و رئیس‌جمهور و دولت تدارک دیده شود. باید به وفاداری و وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تأمین گردد.

- در زمینه سیاست خارجی باید هر چه زودتر به سیاست خرابکارانه «خط برژنسکی» پایان داد و مناسبات سیاسی - اقتصادی و کمک متقابل را با همه کشورهای که از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی میکنند، برقرار ساخت.

باید بطور روشن این واقعیت سیاسی جهان کنونی را شناخت که، خلق‌ها در هر گوشه جهان تنها با همکاری برابر و متقابل با همه نیروهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی، و در درجه اول کشورهای سوسیالیستی میتوانند در مقابل دسائس و توطئه‌های تجاوزکارانه جبهه شیطان‌ساز امپریالیستی و ارتجاعی جهان پایداری کنند و استقلال واقعی خویش را پاسداری نمایند و آنرا گسترش دهند.

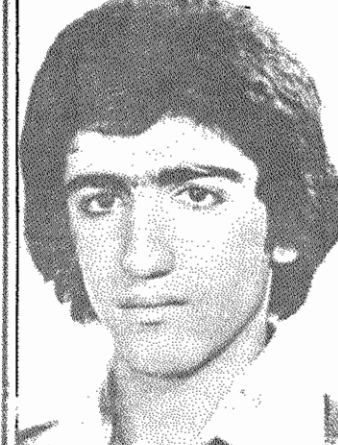
باید پیشنهادها و ارزیابیهای امپریالیسم زده کهنه را بدور انداخت و این واقعیت را به روشنی دید که، در سراسر جهان، هر کشوری که میتواند ادعا کند که دارای سیاست مستقل ملی است، مناسبات دوستانه با کشورهای سوسیالیستی دارد، چه آن کشورها که راه رشد غیر سرمایه‌داری و یا مستکبری سوسیالیستی را برای تکامل آینده خود برگزیده‌اند، مانند الجزایر، کینه، آنکولا، تانزانیا و دهها کشور نظیرشان، و چه آنها که هنوز دارای نظام سرمایه‌داری هستند، مانند هندوستان. همینطور است در مورد آن جنبش‌های اصیل رهایی‌بخش، که واقفاً علیه امپریالیسم و دست‌نشانده‌هایش مبارزه میکنند، مانند جنبش فلسطین علیه اسرائیل اشغالگر، جنبش نامیبیا علیه نژادپرستان آفریقای جنوبی، جنبش پولیساریو علیه سلطان مزدور مراکش.

سخن کوتاه: برای جلوگیری از رشد بحران داخلی و تجزیه همه نیروها برای مقابله با تجاوز امپریالیستی و ضدانقلابی از خارج و داخل کشور، باید با اقدامات جدی و فراگیر در همه زمینه‌ها، ریشه‌های پیدایش و رشد این بحران را خشک کرد و جو متشنج کنونی را باجویی از تفاهم و همکاری همه نیروهای راستین هوادار انقلاب جانفشین ساخت. باید در صحنه جهانی با توسعه مناسبات همه‌جانبه دوستانه، بر اساس برابری و بهره‌گیری متقابل، با همه کشورهای که به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران احترام می‌گذارند، و بویژه با کشورهای که آماده پشتیبانی از انقلاب ما هستند، نقش‌های شیطان‌ساز امپریالیسم، ارتجاع جهانی و ضدانقلاب را نقش‌برآب ساخت.



روز ۱۹ مرداد ۱۳۵۹، حدود ۱۵۰۰ نفر از ضدانقلابیون فراری رژیم شاهنشاهی در لندن تظاهرات علنی داشتند. این عده از سراسر انگلستان و بعضی از کشورهای اروپائی آمده بودند. دو هزار پلیس انگلیسی از ضدانقلابیون محافظت میکردند.

درگذشت يك كارگر هوادار حزب توده ایران



شاهپور فرجزاده، کارگر کارخانه ایران گاز و یکی از هواداران حزب توده ایران، جان خود را در راه نجات يك انسان از دست داد. شاهپور فرجزاده، در سال ۱۳۳۶ در يك خانواده زحمتکش متولد شد. او در دوران انقلاب، فعالانه در مبارزات مردم شرکت جست و همراه دیگر دوستانش به پخش اعلامیه‌ها و نشریات حزب توده ایران در جنوب شهر و جوادیه کمک میکرد. چند هفته پیش، او از کارخانه مرخص می‌گردد و برای تعطیلات به شمال میرود. وی در هنگام شنا متوجه غرق شدن يك نفر در دریا می‌شود و بی‌درنگ به کمک او می‌شتابد و او را نجات میدهد. ولی خود طعمه امواج دریای مرگ و غرق می‌شود.

درگذشت او را به خانواده، دوستان و همزمانش صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

انتشار اخبار...

بقیه از صفحه ۱ ایران دفاع می‌کنیم و بر کسی هم منتی نداریم. ما از همه کسانی که با مسئله حزب توده ایران سروکار دارند

NAMEH MARDOM No. 325 4 September 1980 Price: West-Germany 0.80 DM France 2 Fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 Fr. Italy 350 L. U.S.A. 40 Cts. Sweden 1.50 Skr.

در مقابل توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران چه باید کرد؟

در ساعت ۱۱ بامداد روز گذشته (چهارشنبه ۱۲ شهریور ۵۹) در محل دادگستری جمهوری اسلامی ایران، مصاحبه مطبوعاتی با حضور آیت‌الله دکتر بهشتی برگزار شد. در این مصاحبه مطبوعاتی خبرنگار نامه مردم، نیز حضور داشت.

آیت‌الله دکتر بهشتی در نخستین پاسخ مطبوعاتی خود، در پاسخ سؤال خبرنگار ما که پرسید: در مقابل توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران چه باید کرد، اظهار داشت: «استفاده از همه امکانات برای تسلاشی بیشتر در جهت ساختن جمهوری اسلامی، از نو، یعنی روزنامه ما و دیگر مطبوعات و انتشارات ما را بخوانند و در عمل ما قضاوت کنند و نه تحت تاثیر تصورات بکلی غلط ضد توده‌ای و ضد کمونیستی، که ساواک‌ملمون طی دهها سال با تبلیغات مزورانه خود ایجاد کرده است. باید گریبان خود را از چنگال دیو توهمات و تصورات ضد توده‌ای، که ساخته و پرداخته ساواک است، نجات داد و به سرشت باک و صداقت انقلابی حزب توده ایران پی برد و دست یافت و مطابق با آن رفتار کرد.

ما این سطرها را تحت تاثیر تاسف عمیقی که از مشاهده انتشار جعلیات و اکاذیب ضد توده‌ای دست میدهد، نوشتم. از همه دست‌اندرکاران تشدید و نهادهای انقلابی انتظار داریم که، در مقابل اکاذیب و جعلیات ضد توده‌ای هشیار باشند. هر کس میتواند قبل از انتشار اینگونه مطالب، صحت و سقم آنرا از خود حزب توده ایران تحقیق کند. ما که در پشت کوه «قاف» نیستیم، در همین ایران و در همین تهران، در همسایگی شما زندگی میکنیم. گرچه خانه حزب ما و دفتر ارگان ما هنوز در اشغال غیرقانونی قرار دارد و لذا نشانی معینی نداریم، ولی در صورتیکه میل دوست و خدمت به حقیقت و انقلاب در کار باشد، می‌توانید حزب ما را پیدا کنید و پس از تحقیق، مطالب را انتشار دهید.

کمک مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است

م-م از شهر کرد ۱۵۰۰ ریال ک- از شهر کرد ۵۰۰ ریال کریم، از شهر کرد ۱۵۰۰ ریال رضا، آ. از شهر کرد (از قلک) ۵۰۰ ریال مصطفی، آ. از شهر کرد (از قلک) ۲۰۰ ریال علاقمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام آقای کی‌منش، به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بپردازند.

بقیه از صفحه ۱ - فراری بر ملت ایران واضح و انکارناپذیر است و این بزرگترین جنایت آمریکا در ایران است. این امر آمریکا را مسئول و شریک جرم تمامی جنایات رژیم شاه در ایران می‌نماید. این جنایات و خیانت‌ها شامل کشتار دهها هزار تن مردم ایران از جمله کشتار بزرگ ۱۵ خرداد ۴۳ که حدود ۱۵ هزار نفر مردم بی‌دفاع و مظلوم را بظاک و خون کشید، زندانی و شکنجه کردن صدها هزار نفر از مردم ایران توسط ساواک که بدست سیاه آمریکا تربیت شده بود - تصویب کابینولاسیون - از بین بردن اقتصاد ایران و وابسته کردن آن به سرمایه‌داری خارجی - غارت منابع طبیعی ایران و بخصوص نفت - نابودی کشاورزی ایران - از بین بردن فرهنگ اصیل اسلامی - فاسد کردن نسل جوان و آلوده ساختن آنان به مواد مخدر - تبدیل ارتش ایران به يك ارتش وابسته به آمریکا و انجام نقش زاندارم در منطقه و شرکت در سرکوبی آزادیخواهان در ظفار و در اردن سپتامبر ۱۹۷۰ و با لبنان در جنگهای داخلی بصورت حمایت از فیلانویستها و مسوارد دیگر. مسئولیت و مشارکت آمریکا در جنایات متعدده و بی‌حساب شاه در طی ۳۷ سال حکومتش تنها به زمان آیزنهاور ختم نمیشود. در تمامی دوران سلطه استبداد شاه روسای جسم‌پور و مقامات رسمی آمریکا لحظه‌ای از حمایت و پشتیبانی از رژیم شاه و دخالت در امور ایران دریغ نکردند. در این باره نیز کافی است بهین اسناد کنگره آمریکا و گزارشات مقامات رسمی رجوع کنید ببینید و بگذارید مردم آمریکا و دنیا هم ببینند و بدانند که دولت آقای کارتر تا آخرین روزهای رژیم شاه و تا آخرین مرحله و لحظه به دخالت در امور داخلی ایران و توطئه علیه ملت ایران مشغول بوده است.

حضور آقای هویز در ایران در آخرین روزهای قبل از پیروزی انقلاب و طرحهایی که اجرای آنها را در دستور کار خود قرار داده بودند. نشانه تلاش مستمر دولت آمریکا است. اسناد و مدارک داخل‌های ناروا و غیرقانونی مقامات رسمی آمریکائی در امور داخلی ایران در مدارک بدست آمده از سفارت آمریکا در ایران و همچنین از مرکز هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران همه نشان میدهند که آمریکا دائما بدون وقفه در امور داخلی ایران دخالت میکرد است و هرگز لحظه‌ای را از توطئه علیه ملت ایران غافل نبود. بهداز پیروزی انقلاب اسلامی دولت آمریکا که در برابر خشم خروشان انقلاب اسلامی ایران برآمده امام‌خیزی با شکست غیرقابل اجتنابی روبرو شده بود، ناگزیر به عقب‌نشینی شد و ظاهرا ادعا کرد که انقلاب ایران و دولت جدید را برسمیت شناخته است. اما بررسی اتمالی که دولت آمریکا در طی همین مدت انجام داده است نشان میدهد که آمریکا نه تنها از اعمال گذشته خود نادم نیست و متنبه نشده است بلکه با تمام نیرو همان راه گذشته خود را دنبال میکند و با تمام قوا به دشمنی علیه ملت ایران برخاسته است. دولت آمریکا بهداز پیروزی انقلاب اسلامی ایران تمامی تمهیدات خود را بزرگ و گدشت و به پناه‌های واهی میلیاردها دلار اموال ایران در بانکهای آمریکائی را توقیف نمود.

کالاهای سفارشی را که تمام بهای آنها را قبل از انقلاب تقدا دریافت نموده بود حاضر به تحویل نگردید مقامات دولت آمریکا حتی حاضر نشدند بصورت حساب میلیاردها سپرده ایران را در حسابهای بانکی وابسته به دولت آمریکا به ایران بدهند. و میلیاردها دلار سرمایه ایران توسط عناصر ذینفع از مقامات رسمی آمریکائی حیف و میل گردیده است. ما تعجب میکنیم که چگونه و چرا نمایندگان کنگره باین حیف و میل‌ها مرکز رسیدگی نکرده و نیکند. و نپرسند که سر نوشت میلیاردها دلار سرمایه ایران در حسابهای بانکی وابسته به مقامات رسمی آمریکا چه شده است. علاوه بر اینها دولت آمریکا به عناصر جنایتکاری که در گوشه و کنار ایران علیه انقلاب اسلامی ایران توطئه میکنند کمک مستقیم و غیر مستقیم نموده و می‌نماید. دولت آمریکا مستقیم و غیر مستقیم از طریق دولت بعث عراق در حوادث کردستان و خوزستان و خلیج فارس و توطئه‌های مداوم علیه جمهوری اسلامی ایران دخالت و مشارکت دارد. دولت آمریکا عناصر ضد انقلاب را که سالهای سال عامل اجرای جنایات شاه و همچنین عوامل اجرای برنامه‌های سیاسی آمریکا در ایران بوده‌اند در آمریکا پناه است و علیرغم درخواست رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران از تحویل مجرمین نظیر سرتیب رژیم مسئول آتش‌سوزی سینما رکی آبادان خودداری نموده است و این خودداری آمریکا علیرغم توافقی است که در این زمینه بعمل آورده است. آقای سائروس ونی در ملاقات با وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در زمان شرکت در سی و چهارمین اجلاس سازمان ملل در نیویورک صریحا وعده داد که ترتیب انتقال و تحویل این مجرمین را به دولت ایران خواهد داد. امتناع آمریکا در تحویل مجرمین فراری و پناهنده به آمریکا منجمله شاه جانی حتی بر طبق قوانین

مرگ بر امپریالیسم جهانخواه امریکادشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

خود آمریکا مشمول اصل معافیت از اجرای عدالت شده و فریفته جرم محسوب میشود. پناه دادن به شاه به منزله اعلام جنگ مستقیم آمریکا به ملت ایران محسوب میشود و بدنبال آن حمله مردم عصبانی و خسته از جنایات آمریکا در ایران به لانه جاسوسی و توطئه آمریکا در ایران و اشغال آن يك عکس‌العمل طبیعی بوده است. دولت آمریکا بر طبق کدام يك از اصول انسانی و با قوانین بین‌المللی حق داشته است که نیروهای نظامی خود را بسپج کرده و بفرزهای ایران تجاوز نماید و هواپیماها و هلیکوپترها و نفرات خود را بظاک ایران در طیس سرازیر نماید؟ آیا اینها تخطی آشکار از تمامی مقررات بین‌المللی نیست. آیا رفتار خشونت‌بار پلیس آمریکا با تظاهرات مسالمت‌آمیز دانشجویان مسلمان ایرانی در شهرهای آمریکا و به زنجیر کشیدن و براندان انداختن آنان نشانه احترام به حقوق بشر در آمریکا و یا احترام به مسلمانان و ایرانیها است؟ آیا محاصره اقتصادی ملتی و جلوگیری از حتی صدور مواد غذایی و دارویی یا موازین حقوق بشر مورد ادعای شما هیچ تناسبی دارد؟ در این محاصره اقتصادی علاوه بر شرکت خودتان کشورهای بازار مشترک اروپائی و سایر همدمستان خود را نیز دخالت دادید. آیا تصور میکنید ملتی که قیام کرده است از این محاصره‌ها وحشتی دارد؟ با این اهداف و آرمانها دولت آمریکا هرگز نمیتواند به ملت ایران و یا هیچ ملت دیگری در دنیا روابط دوستانه و حسنه‌ای داشته باشد. منافع عظیمی که در دوران سلطه رژیم شاه می‌بردند بکلی قطع شده است و دیگر هرگز برای آنان وضع گذشته قابل تکرار نیست. اینها با تمام قوا علیه این انقلاب ایستاده‌اند و کارشکنی میکنند. آقایان چگونه میتوان از درک و تفاهم بهتر آرمانها و اهداف دو ملت سخن گفت در حالیکه محافل حاکمه آمریکا و تمامی رسانه‌های گروهی شما در يك توطئه دائم انقلاب اسلامی ایران را تحریف میکنند و اخبار دروغ جعل میکنند و بخورد مردم آمریکا میدهند. شما تگرانی عمیق خود را در مورد انضباط روابط فیما بین و گسستن آن ابراز نمودید و آن را معلول گروگ‌نگری دانستید. آقایان، شما بعنوان دولت آمریکا هرگز با ملت ایران روابطی نداشتید روابط شما در طی سی و چند سال گذشته کلا و عمدا با رژیم شاه بوده است. بله این رابطه گسسته شده است و دیگر وجود ندارد و دولت آمریکا حق دارد از قطع این روابط احساس تگرانی نماید. این اشکی که برخی از محافل آمریکائی در مورد قطع این روابط میریزند در واقع اشکی است بر قطع منافع خودشان. چنان روابطی هرگز برای ملت ایران قابل نبوده است. و امام خمینی فرمودند که «الهی این رابطه قطع شود» گسستن روابط میان دولت آمریکا با جمهوری اسلامی ایران نتیجه گروگان‌گیری نیست بلکه نتیجه اجتناب‌ناپذیر عملکرد دولت شما در ایران علیه مصالح و منافع ملت ایران می‌باشد. ما تگران گسستن آنگونه روابط نیستیم آنچه که شما باید تگران آن باشید ادامه سیاست تجاوزگرانه دولت آمریکا است. انضباط روابط فیما بین ملت ایران و دولت آمریکا به منزله قطع روابط میان دو ملت ایران و آمریکا نمی‌باشد. ما خواهان حسن روابط با تمامی ملت‌های جهان از جمله ملت آمریکا هستیم.